

یادنامه زنده یاد دکتر کامبیز بدیع

این یادنامه را که به همت همسر گرانقدر ایشان، خانم دکتر طایفه محمودی فراهم آمده است، تقدیم دوستداران آن استاد عالیقدر می نمایم.

خلاصه‌ای از پیشینه علمی و حرفه‌ای پروفسور کامبیز بدیع

شمع پر نور سراپرده عرفان و ادب
رهرو مکتب امکان و عدم
در سراپرده مفهوم، فروغی جاوید
در پسا پرده ایهام، سکوتی مبهم

یادداشت سردبیر

بیست و نهم آذرماه امسال، جامعه علمی کشور یکی از چهره‌های درخشان خود را از دست داد. زنده‌یاد دکتر کامبیز بدیع از پیشگامان آموزش هوش مصنوعی در کشور بود و به شهادت تمامی دوستان و همکاران، افزون بر دانش چندبعدی و گسترده‌ای که داشت، دارای صفات نیکوی انسانی بود. او مصداق واقعی این ضرب‌المثل بود که: درخت هر چه پربار تر، افتاده تر. انجمن انفورماتیک ایران، ضایعه درگذشت این استاد ارجمند و همکار دیرین خود را به جامعه علمی کشور صمیمانه تسلیت می‌گوید و



ناصر بدیع* اولین مهندس شهرساز ایران و بنیانگذار شورای عالی شهرسازی و معماری و بانو حاجیه خانم همادخت قدیمی فرزند رضا قدیمی (دبیرالممالک) از مدیران خوشنام وزارت دارائی وقت بود.

پروفسور کامبیز بدیع در خانواده‌ای بسیار فرهیخته به دنیا آمد. ایشان نواده *دکتر بدیع الحکما* پزشک سرشناس و خدوم ضعفا، یاور و تیماردار شاعر شهیر عارف قزوینی، و فرزند *دکتر مهندس

دانشگاه‌های مطرح کشور بودند.

از جمله فعالیت‌های علمی-حرفه‌ای جنبی نامبرده می‌توان به عضویت در هیئت موسس و هیئت مدیره بسیاری از انجمن‌های علمی از جمله انجمن امفورماتیک ایران، انجمن کامپیوتر ایران، انجمن سیستم‌های هوشمند، انجمن یادگیری الکترونیکی ایران و همکاری فعالانه با انجمن عصب-روانشناسی ایران و سمینارهای مغز شناخت و رفتار، عضویت در کمیته‌های علمی و اجرایی بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی و همین‌طور عضویت در هیئت تحریریه برخی از مجلات علمی-پژوهشی در سطح ملی و بین‌المللی اشاره نمود.

نامبرده، استاد تمام و مشاور عالی پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، استاد وابسته در دانشکده علوم مهندسی دانشگاه تهران، عضو مدعو فرهنگستان علوم در شاخه مهندسی برق و کامپیوتر و عضو اتاق فکر هوش مصنوعی در گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم بودند.

روانش شاد و راهش پر رهرو باد



همسفر زندگیم

ما چون دو دریچه روبروی هم

آگاه ز هر بگو مگوی هم

هر روز سلام و پرسش و خنده

هر روز قرار روز آینده

عمر آینه بهشت، اما ... آه

بیش از شب و روز تیر و دی کوتاه

اکنون دل من شکسته و خسته است

زیرا یکی از دریچه‌ها بسته است

نه مهر فسون، نه ماه جادو کرد

نفرین به سفر که هرچه کرد او کرد

در این سفر کوتاه زندگی، موهبت همسفری با انسانی والا، متین، اندیشمند و تکرارنشدنی نصیبم گشت که طی بیست و دو سال

در ضمن، برادرزاده *دکتر امیرمهدی بدیع*، فیلسوف پرآوازه و نویسنده مجموعه فاخر یونانیان و بربرها، *پروفسور منصور بدیع* جراح و پزشک عالیقدر، *دکتر محمود بدیع* دکترای تاریخ ادبیات ایران، *بانو مریم بدیع* پیشگام حوزه هنرهای معاصر و ادبیات، و برادر *دکتر فرهاد بدیع* دانش‌آموخته مدیریت عالی از مرکز مطالعات مدیریت دانشگاه هاروارد بود.

کامبیز بدیع فارغ التحصیل رتبه اول دبیرستان البرز و پذیرفته شده ممتاز در دانشگاه صنعتی شریف بود که با دریافت بورسیه نخبگان دولت ژاپن، درجات کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا و فوق دکترا خود را در زمینه مهندسی برق و الکترونیک با گرایش هوش مصنوعی و بازشناسی الگو از انستیتو تکنولوژی توکیو دریافت نمود. نامبرده از بدو بازگشت به ایران در مرکز تحقیقات مخابرات ایران مشغول به فعالیت شد. ایشان مسئولیت برنامه‌ریزی و هدایت پروژه‌های تحقیقاتی کلیدی در کنار مسئولیت‌های اجرایی متعددی از جمله: مدیر گروه جامعه اطلاعاتی، مدیر گروه کاربردهای فناوری اطلاعات، رئیس پژوهشگاه فناوری اطلاعات، معاون پژوهش و توسعه ارتباطات علمی را طی سالیان مختلف در پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات عهده‌دار بوده و همزمان سردبیر مجله بین‌المللی پژوهشگاه Information & Communication Technology Research (IJCTR) از بدو تاسیس بود.

از جمله افتخارات ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: عضو تیم آزماینده میزان ۲۰۰۰ و ۲۵۰۰ (برنده رتبه سوم ابتکار در جشنواره خوارزمی)، عضو تیم سرپرست پروژه تحقیقاتی دست سبیرنتیکی تهران (برنده جایزه اول تحقیق کاربردی در جشنواره خوارزمی)، پژوهشگر برتر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در سطح ملی، برگزیده جشنواره شهید رجایی از مرکز تحقیقات مخابرات ایران، استاد پیشکسوت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و پژوهشگر پیشکسوت پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات.

اهم فعالیت‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات تحقیقاتی نامبرده در سال‌های گذشته، در زمینه‌هایی از قبیل یادگیری ماشین، مدل‌سازی شناختی، پردازش و تولید دانش به طور اعم، و دانش‌ورزی تمثیلی، مدل‌ورزی تجربه و مدل‌ورزی فرآیند تفسیر به طور ویژه، با تاکید بر آفریدن ایده‌ها، فنون و محتواهای جدید، متمرکز بوده است. دکتر بدیع از پژوهشگران فعال در حوزه هوش مصنوعی و مطالعات میان‌گستره‌ای و تراگستره‌ای بوده و از انگیزه‌های بالا برای کاربست مدل‌های هوشمند و شناختی در زمینه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات برخوردار بودند. نامبرده دارای کتب ترجمه و تالیفی مختلفی به زبان‌های فارسی و انگلیسی بوده و در تدوین بالغ بر سیصد مقاله علمی-پژوهشی در حوزه‌های پردازش و بازشناسی الگو، هوش مصنوعی و رایانش نرم، سیستم و سبیرنتیک و ... در مجلات ISI و علمی-پژوهشی و کنفرانس‌های معتبر داخلی و خارجی، شرکت داشتند. در ضمن، از اساتید پیشکسوت در تدریس دروس مبتنی بر هوش مصنوعی در

نبوغ، نخبگی، را فتح کرد ولی هنوز احساس می‌کرد این سنگرهای فتح شده گرچه با ارزش‌اند ولی هنوز چیزی کم است. به دنبال خلق محصول و حاصلی افتاد تا بر میراث باقی از دستاوردهای بشر - هر چند کم ولی به عنوان قدمی به پیش - بیفزاید قدمی که نه فقط در سرزمین پدری بلکه در سطح جهانی مشتاق و مخاطب داشته باشد و چنین شد که پنجره‌ای جدید در ذهن او گشوده شد؛ بخشی از این تلاش‌ها به ثمراتی رسید و بخشی را اجل مجال کمال نداد. او آموخته‌ها و یافته‌هایش را ابتدا در خود متقن و نهادینه می‌کرد و سپس بی‌دریغ با دیگر مشتاقان به جدل و اشتراک می‌گذاشت. او فقط راوی محصولات و دستاوردهای گذشتگان نبود؛ برای هر دستاورد حاصل از تلاش بشر مراتبی متعالی‌تر در ذهن او نقش می‌بست.

بر این باورم که او هستی را با تمام درونمایه‌های آن، مجموعه‌ای نظام‌مند، یک پارچه و هدفمند می‌دید که تمام اجزاء متشکله این نظم، در تعامل دائم‌اند. گاهی تشریح چگونگی ارتباطات برخی از پدیده‌های در ظاهر نامرتبط، مخاطبش را بهت‌زده می‌کرد. همه این ویژگی‌های شخصی و ذهنی و روحی، او را به جایگاهی هادی شد که اطلاق صفت «متفکر» به معنی جویا و خالق مفاهیم و تفسیرهای مکمل و نوین در زمینه وسیع علوم بر او زینده‌تر باشد. «متفکری» که با دانش متنوع بشری آنقدر آشنائی تام و یا مکفی داشت تا به مرتبت بحرالعلوم نزدیک گردد. حدیث مفصل در این مُجمل ننگد.

متفکر بحرالعلوم موضوع این دلنوشته کسی نیست جز برادر دل‌بند و گرانقدرم «دکتر کامبیز بدیع»، که انشاء الله رحمت واسعه الهی ارزانی روح متعالی‌اش باد.

فرهاد بدیع

برادر پروفیسور کامبیز بدیع



گرامیداشت میراث تحول آفرین پروفیسور کامبیز بدیع

۲۰ دسامبر ۲۰۲۳ (۲۹ آذرماه ۱۴۰۲) روزی پر از غم و اندوه است که ما با یک استاد برجسته، پروفیسور کامبیز بدیع وداع می‌کنیم. کلمات

همکاری علمی و پژوهشی و هجده سال زندگی مشترک، از هر لحظه آن نکته و معنای جدیدی آموختم. ادب و احترام خمیرمایه سرشت پاک و دوست داشتنی‌اش بود و سیر در آفاق و انفس دانش و معانی، همراه با کشف ارتباطات میان آن‌ها، الهام‌بخش ارائه ایده‌های نوآورانه و افکار بدیع‌اش بود. زنده نگهداشتن نامش و اشاعه منش، افکار و دانش بی‌انتهایش وظیفه‌ای سنگین بر دوش من و دوستداران و ارادتمندان است. یادش جاودان و راهش پر رهرو باد.

مریم طایفه محمودی

همسر پروفیسور کامبیز بدیع



برادرم از نگاه من

آرامش و سکوت و تأمل در برخورد با دنیای پر شر و شور از کودکی وجه تمایزش با دیگران بود. من که قریب یکسال از او مسن تر بودم با او فرق داشتم. از همان دوران، همسالان او «مو» می‌دیدند و تو گوئی او به دنبال کشف «پیچش مو» بود.

دوران مدرسه و دبیرستان را با یک سال اختلاف سطح تحصیلی با هم بودیم. مطالب درسی برایش پیچیده نبودند و عناوین شاگرد اولی و ممتازی را به راحتی درو می‌کرد. به‌نظر می‌رسید که حاصل تلاش تاریخی بشر را خوب می‌فهمد ولی این جام‌ها کفاف سرمستی و شوریدگی او را نمی‌داد.

سئوال و سئوال‌ها و چرا و چراها مسلسل وار ذهن او را مشغول می‌کرد. به تدریج دنیایی در ذهن خود بر پا کرد و زیست. همه عمر گمشده‌ای را جستجو می‌کرد که هر چه می‌یافت باز آن نبود که سیرایش کند. طبیعت، هستی، علم، فتاوری، اجتماع، مردم و بالاخره انسان جولانگاه کاوش‌های ذهنی و میدانی او شده بود. تسلط و تکرار دستاوردهای بشری در همه این زمینه‌ها شغف نصیبش می‌کرد ولی رضایت آرمانی او را سبب نمی‌شد. سنگرهای فرهیختگی، باهوشی،

نقش او در دنیای «یادگیری ماشین، مدل‌سازی شناختی، و پردازش دانش» را نمایش می‌دهند:

۱. استدلال قیاسی، جایی که او تمرکزی ویژه بر فرآیند شناختی استخراج بینش‌ها یا راه‌حل‌ها از طریق تفسیر و درک روابط بین موقعیت‌ها یا مفاهیم داشت. رویکرد او ماهیت ذهنی و وابسته به زمینه استدلال قیاسی را ارج نهاد و حل خلاقانه مسئله و انتقال بینش در زمینه‌های مختلف را تقویت کرد.

۲. خلق و دستکاری مفاهیم بر اساس دیدگاه عامل: دنیایی که در آن او به فرآیندهای شناختی می‌پردازد که شامل خلق و درک مفاهیم مختلف از دیدگاه‌های مختلف، و همچنین تسهیل درک دقیق‌تر و جامع‌تر مفاهیم پیچیده در موقعیت‌های گوناگون است. ۳. مدل‌سازی معنایی تجربه پدیدارشناسانه: جایی که او به ایجاد بازنمایی‌های ساختاریافته از معنا و جوهر تجربیات ذهنی انسانی کمک کرد. هدف کار او به تصویر کشیدن تجربیات انسان در دنیای پر رمز و راز معنا بود.

۴. همجواری معنایی برای تفسیر کلام: جایی که او تمرکزی ویژه بر فرآیند شناختی ترکیب و ادغام اطلاعات معنایی برخاسته از منابع یا زمینه‌های مختلف داشت. در اینجا هدف غایی او تفسیر کلام انسان بر پایه درک شناختی بود. ۵. استدلال بر پایه‌ی طرحواره‌های شناختی: استدلالی که ریشه در ارزیابی و تعیین درجه‌ای دارد که بر اساس آن مجموعه‌ای از داده‌ها طرحواره‌ها یا ساختارهای از پیش تعریف شده‌ی ما را برآورده می‌کنند. او، در گپ و گفت‌هایی که با هم داشتیم، اذعان می‌کرد که به طور عجیبی به این پارادایم منطقی و مفهومی باور دارد، و می‌داند که این پارادایم کمک ویژه‌ای به تصمیم‌گیری و حل مسئله در حوزه‌های مختلف خواهد کرد. همانطور که ما در غم از دست دادن یک ذهن خارق‌العاده در جهان علم و فلسفه سوگواری می‌کنیم، اجازه دهید کامبیز را نه تنها به خاطر درخشش آکادمیکش، بلکه به خاطر صمیمیت و مهربانی‌اش یاد کنیم. در حافظه جمعی ما، او به عنوان یک حکیم در تالارهای خرد زندگی می‌کند و اثری پاک نشدنی بر تابلوی دانش و پیوند انسانی از خود به جای می‌گذارد. فراتر از درخشش عقل او، سخاوت، تزلزل‌ناپذیری او، تمایل او به اشتراک گذاشتن بینشش و عشق او به حمایت از انسان‌ها بود که او را متمایز کرد.

همانطور که کامبیز را به آغوش کیهان می‌سپاریم، با عشق او را برای این سفر رو به بی‌نهایت بدرقه می‌کنیم. پژواک خنده‌های او، طنین سخنان او و تأثیر عمیق کلام او آثار ماندگاری هستند که او در قلب و ذهن ما به جای گذاشته است. آرام باش کامبیز عزیزم. همانطور که ما با تو خداحافظی می‌کنیم، میراث تو همچنان الهام بخش نسل‌های آینده خواهد بود. تو همیشه با ما خواهی بود.

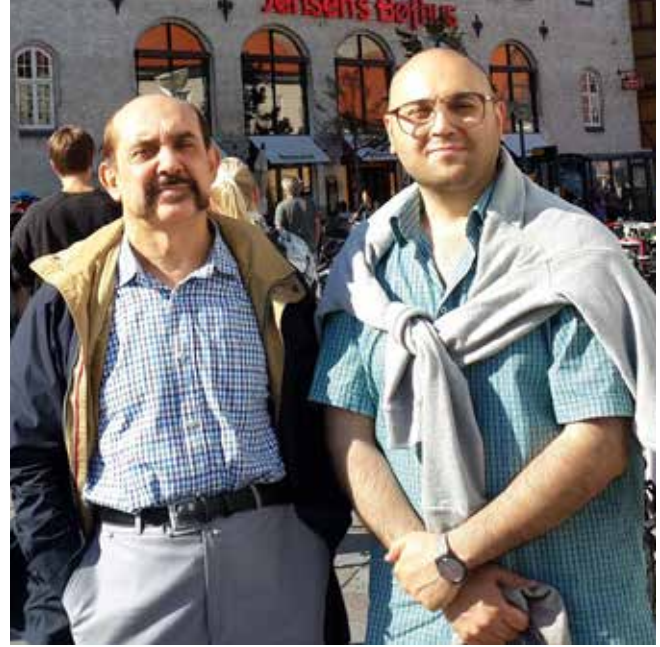
به سختی می‌توانند جوهر تأثیری را که او بر جای می‌گذارد بیان کنند، در این مقاله، با قلبی اندوهگین و سوگوار، نگاهی اجمالی به زندگی خارق‌العاده او دارم.

کامبیز بدیع، نامی مقدس که با درخشش فکری طنین انداز می‌شود، بیش از یک دانشمند بود. او یک نابغه در حوزه‌های هوش مصنوعی، مهندسی برق، علوم شناختی، زبان‌شناسی و فلسفه بود. سفر او از تالارهای دبیرستان البرز در تهران آغاز شد، بذری که از آن یک ماجراجویی دانشگاهی جوانه زد و در نهایت با برداشتی پیروزمندانه به اوج رسید. کامبیز، مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی خود را با بالاترین امتیاز از موسسه فناوری توکیو اخذ کرد و متخصص دنیای مسحورکننده الگوشناسی در حوزه علوم برق شد.

کامبیز از زمانی که دکترای خود را دریافت کرد، جسورانه به چشم‌اندازهای پیچیده «یادگیری ماشین»، «مدل‌سازی شناختی» و «پردازش دانش» پرداخت. باور دارم که این دامنه‌ها دنیای ویژه‌ای را در ذهن او شکل دادند. در چنین دنیایی، (۱) یادگیری ماشین بر پایه بینش‌های مبتنی بر داده‌ها، (۲) مدل‌سازی شناختی هماهنگ شده با هوش انسانی و (۳) پردازش دانش و دانایی همسو شدند. به نظر من، چنین یکپارچگی، قابلیت‌های پردازش و تحلیل هوشمندانه اطلاعات را در سیستم‌های پیشرفته‌ی سایبرنتیک و هوش مصنوعی امروزی تقویت می‌کند. در چنین فضایی، انسان‌ها و ماشین‌ها (به عنوان عوامل شناختی و دانش محور) یکدیگر را تکمیل می‌کنند و نوآوری و کارایی را در حوزه‌های مختلف علمی و دانشگاهی ارتقا می‌دهند. کامبیز با باور ارزشمند فلسفی خود مبنی بر این‌که واقعیت از طریق تعامل بین فرآیندهای ذهنی عامل ناظر و جهان بیرونی ساخته می‌شود، کمک‌های عمیقی به گسترش دانش علمی کرد. او چارچوب‌هایی مانند «استدلال قیاسی»، «مدل‌سازی/تحلیل مفهومی»، «مدل‌سازی/تحلیل معنایی»، «تحلیل پدیدارشناسانه»، و «استدلال بر پایه طرحواره‌های شناختی» را الگوهای تفکری خود قرار داد و در نهایت آن‌ها را استادانه در راستای تحقق اهداف مقدسش پروراند. در واقع این چارچوب‌ها، به دور از اصطلاحات دانشگاهی صرف، مظهر روح خلاق او بودند و بینش‌های عمیقی را ارائه می‌کردند که از مرزهای فعالیت‌های علمی فراتر می‌رفت و حتی به دنیای فلسفه ورود کردند. به عقیده من، تفکر کامبیز تمرکز ویژه‌ای بر ماهیت ذهنی و وابسته به زمینه استدلال قیاسی داشت. او در «تحلیل خلق و درک مفاهیم از زاویه دیدگاه‌های گوناگون»، «ایجاد بازنمایی‌های دانش معنا-محور»، و «تحلیل تجلی تجربیات انسانی از طریق مدل‌سازی معنایی» سرآمد بود. علاوه بر این، او در «ترکیب اطلاعات معنایی برای تقویت درک و تفسیر کلام» پیشرو بود. در نهایت، او بر «ارزیابی منطقی داده محور بر پایه طرحواره‌ها یا ساختارهای تعریف شده شناختی» تأکید ویژه‌ای داشت. می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که موارد ذیل به طور برجسته‌ای



شاهین بدیع، برادرزاده پروفیسور کامبیز بدیع



فرشاد بدیع، برادرزاده پروفیسور کامبیز بدیع

یک نگین از سر انگشتر ایران کم شد
چهره بر خاک کشیده بذر این ماتم شد
آن درختی که همه معرفت و پر بر بود
وصف افتادگیش حرف ندانست و زبان کوتاه بود

چون ببارید غم از زخم غریبانه دل
یاد ایام دل انگیز خوشش مرهم شد
ما حزینیم ولی یار سبک بال سفر کرده مان
رفت با شوق ببیند چه پس پرده این عالم بود

شب نشینند به سوگش ادب و علم و سخن
اشکی از چشم خداوند درخشید و فروغ ره شد

شاهین بدیع

نمونه‌ای از آگهی‌ها و اطلاعیه‌ها به مناسبت درگذشت استاد گرانقدر دکتر کامبیز بدیع

انالله و انالیه راجعون

درگذشت نابهنگام استاد گرانقدر و همکار مدعو فرهنگستان علوم جناب آقای دکتر کامبیز بدیع، باعث تائر و تالم اینجانب شد. این ضایعه را به خانواده مکرم ایشان و اعضای فرهنگستان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و از حضرت باریتعالی برای ایشان رحمت و غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانم.

روحشان شاد و یادشان گرامی باد

محمدرضا مخبر دزفولی، رئیس فرهنگستان علوم

انالله و انالیه راجعون

ضایعه درگذشت فرهیخته ارجمند و چهره علمی و نامدار کشور جناب آقای دکتر کامبیز بدیع موجب تائر و تالم شد. فقدان ایشان نه تنها برای خانواده و دوستان بلکه برای تمامی افرادی که با شخصیت گرانقدر، معنوی و علمی دکتر بدیع آشنایی دارند، مصیبت جبران ناپذیری است. درگذشت آن انسان والامقام و گرانقدر را به خانواده محترم ایشان، جامعه علمی کشور و تمامی دوستداران آن عزیز سفر کرده تسلیت عرض می‌کنم و از پروردگار مهربان برای روح بلندش رحمت و مغفرت و برای بازماندگان شکیبایی و سلامت خواهانم.

محمد رضا عارف

انالله و انالیه راجعون

فقدان نابهنگام استاد گرانقدر و همکار عزیز جناب آقای دکتر کامبیز بدیع عضو محترم و فعال فرهنگستان را به خانواده مکرم ایشان و همکاران فرهنگستان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم. استاد بدیع همکاری مومن، خلوق، متخصص، مسئولیت‌پذیر، دلسوز و فعالی بودند. حقیقتاً درگذشت ایشان بسیار تاسف بار است. جای ایشان خیلی خالی خواهد بود. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

علی اکبر صالحی

انالله و انالیه راجعون

ضایعه درگذشت فرهیخته ارجمند و چهره علمی و نامدار کشور جناب آقای دکتر کامبیز بدیع موجب تائر و تالم همگان بویژه جامعه علمی کشور گردید. اینجانب از سوی خود و همکارانم در گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم این ضایعه بزرگ را به خانواده محترم ایشان، جامعه علمی کشور و همکاران و دوستان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. از درگاه خداوند سبحان برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

جعفر توفیقی، رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم



انا لله وانا اليه راجعون

درگذشت ناباورانه استاد اخلاق و ادب جناب آقای دکتر کامبیز بدیع موجب تائر و تالم همگان بویژه جامعه علمی کشور گردید. اینجانب از سوی خود و همکارانم در شاخه مهندسی برق و کامپیوتر فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران این ضایعه بزرگ را به خانواده محترم ایشان، جامعه علمی کشور و همکاران و دوستان ایشان تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند سبحان برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

محمود فتوحی، رئیس شاخه مهندسی برق و کامپیوتر، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران





انجمن کامپیوتر ایران

عرض تسلیت انجمن کامپیوتر ایران به مناسبت درگذشت
پرفسور کامبیز بدیع

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت ناپهنگام استاد گرانقدر جناب آقای پرفسور کامبیز بدیع بسیار موجب تأثر همگان گردید. ایشان طی سال‌ها عمر پر خیر و برکت خود منشأ خدمات ماندگار علمی و پژوهشی بسیاری برای جامعه علمی کشور بوده‌اند. همچنین در عرصه فناوری‌های نوین هم خدمات و پژوهش‌های موفری از خود به یادگار گذاشته‌اند.

جناب آقای دکتر بدیع از اعضای کمیته پیگیری و هیئت مؤسس انجمن کامپیوتر ایران در سال ۱۳۷۲ بوده و زحمات خالصانه و بی‌شائبه‌ای را برای انجمن در راستای ارتقا جایگاه علم و آموزش کامپیوتر متقبل شدند، ایشان استادی خلاق و متفکر، با اخلاق، مسولیت‌پذیر و انسانی وارسته بودند. فقدان این استاد گرامی برای جامعه علمی و همچنین انجمن کامپیوتر ایران یک ضایعه بزرگ خواهد بود که امید داریم شاگردان و همراهان وی راه ایشان را ادامه دهند.

اینجانب به نمایندگی از انجمن کامپیوتر ایران ضمن تسلیت درگذشت این استاد فرهیخته به همه بستگان و دوستان آن ایشان بویژه سرکار خانم دکتر طایفه محمودی (همسر محترم ایشان)، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر توأم با سلامتی مسئلت می‌نمایم.

جعفر حبیبی

رئیس هیأت مدیره انجمن کامپیوتر ایران



در سوگ درگذشت زود هنگام استاد گرانقدر دکتر کامبیز بدیع

مرد پر مژ و متین، آن یار رفت نگر از دست قنار، دلدار رفت
فیلمونی از علوم بوش و متر بی‌کمان پر بار و هم‌بیدار رفت
نند های ناب و بی‌بمبای او بهره آن نازنین انهار ، رفت
کرمی کنتار و روی مهربان از دیار ما چه بی‌بشار رفت
آن "بیخ" نازنین ، استاد علم برکشت عالم اسرار ، رفت
خواهرم "مریم" موز از داغ او داغ او بر مردی بی‌دار رفت
یارب آن روح بزرگش ، دست‌گیر با وفا بود ، از پی دیدار رفت

دکتر یحیی اکبر سنی

چهارم دی ماه ۱۴۰۲

بنام خدا

شماره: ۲۴۰۴۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۱

شماره:
تاریخ:
پوسته:

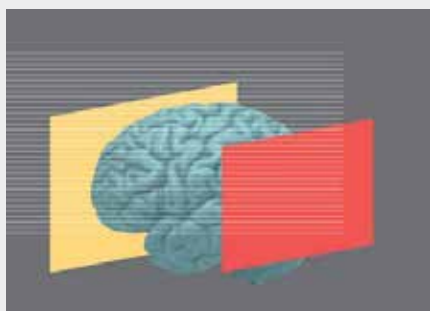


انالله وانا الیه راجعون

درگذشت نابهنگام همکارگرامی و **استاد گرانقدر دکتر کامبیز بدیع** بسیار موجب تأثر و تاسف گردید. اوطی سالهای عمر پرخیر و برکت خود منشاء خدمات ماندگار علمی و پژوهشی بسیاری برای جامعه دانشگاهی و صنعت کشور خصوصا درحوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بود. او در عرصه فناوری های نوین هم خدمات و پژوهشهای موثری از خود به یادگار گذاشت. دکتر بدیع از اعضای هیات مؤسس انجمن یادگیری الکترونیکی ایران (یادا) هم بود و در راستای ارتقا جایگاه علم و آموزش، استادی خلاق و متفکر بود. دکتر بدیع معلم اخلاق، مسولیت پذیر و انسانی وارسته و دارای علم نافع بود. فقدان این استادگرامی برای جامعه علمی و دانشگاهی و صنعت کشور و همچنین انجمن یادا یک ضایعه است که امید است شاگردان و همراهان او راه او را تداوم بخشند. اینجانب به نمایندگی از انجمن یادگیری الکترونیکی ایران ضمن تسلیت درگذشت استاد بدیع به همه بستگان و دوستداران ایشان بویژه به **همکارگرامی و همسر همراهش سرکار خانم دکتر محمودی**، برای ایشان علومقام و برای همگان صبر و توکل آرزو می نمایم.

دکتر سید علی اکبر صفوی

رئیس هیات مدیره انجمن یادگیری الکترونیکی ایران (یادا)



با کمال تأسف، جامعه علمی ایران، چهره برجسته و درخشانی را از دست داد. دکتر کامبیز بدیع، استاد پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، چشم از جهان فرو بست و بسیاری از دوستان، همکاران و دانشجویان خود را در غم و اندوهی فراوان فرو برد.

انسانی را از دست دادیم که علاوه بر دانش گسترده در رشته تخصصی خود، شیفته زبان فارسی، آثار کلاسیک، واژه‌شناسی و ریشه‌شناسی بود. دیدگاه جامعی نسبت به مفهوم انسان داشت و در صدد ایجاد زبان مشترکی بین به اصطلاح علوم «سخت» با علوم «نرم» بود.

مقاله‌های دکتر بدیع در ارتباط با روان‌شناسی و شناخت‌پژوهی، همواره، نکات آموزنده و نگرش‌های جدیدی را به خواننده منتقل می‌ساخت، نکات و نگرش‌هایی که در آموزش‌های رسمی روان‌شناسی در مراکز علمی، جای خالی آن‌ها به خوبی احساس می‌شد. از جمله ویژگی‌های علمی وی اصالت در تفکر و نواندیشی و یافتن واژه‌های مناسب برای انتقال مطالب بود. قدرت عجیبی در انتقال فکر از سطحی به سطح دیگر داشت. نمونه روشنی از تفکر آنالوژیک و گشتاری بود. این جنبه از کار او را می‌توان در مقاله‌هایی که در خصوص تفسیر طرح‌واره‌ای و درک شباهت‌ها و ربط‌های معنایی نوشته و منتشر کرده، باز یافت.

حضور فعال و اثرگذار وی در «سمینارهای مغز، شناخت و رفتار» که از سال ۱۳۸۶ در بیمارستان روزبه دایر شده بود، حال و هوای خاصی به بحث‌ها می‌بخشید و همیشه روشنگری‌هایی در پی داشت.

شخصیتی متین، آرام، احترام‌انگیز و دوست‌داشتنی داشت. خوب گوش می‌داد و سعی می‌کرد حلقه‌های پیوندی را در بحث‌ها برجسته سازد. بسیاری از نظرات خود را در قالب «سوال» مطرح می‌کرد و قصد «به‌کرسی نشاندن» حرف خود را نداشت. همین خصوصیت، باعث می‌شد که هر شخص در ارتباط با وی احساس خوب و اطمینان‌بخشی پیدا نماید.

این فقدان غم‌انگیز را خدمت همسر گرامی دکتر و بستگان محترم ایشان تسلیت می‌گوییم و سلامتی و پایداری بازماندگان را آرزو می‌کنیم. اگر چه جای خالی دکتر بدیع همه جا به خوبی احساس می‌شود، اما بدون تردید، راه و روش او به وسیله دانش‌آموختگانی که در مکتب وی پرورش یافته‌اند، ادامه پیدا خواهد کرد.

کمیته برنامه‌ریزی سمینارهای مغز، شناخت و رفتار

حبیب‌الله قاسم‌زاده، سید حمیدرضا نقوی و ونداد شریفی

دل‌نوشته‌های دوستان و همکاران زنده‌یاد پروفسور بدیع (به ترتیب حروف الفبا)



سوگ چیدن اندوه

جامعه انفورماتیک کشور به سوگ پیشگام آموزش و پژوهش دانشگاهی هوش مصنوعی، زنده‌یاد دکتر کامبیز بدیع نشست.

غیر مترقبه و ناباورانه بود، هجرت این سالک بی ادعای علم و فرهنگ و حامی همیشگی انجمن‌های علمی، فرصت و تأملی باید تا حتی صورتی از خدمات این روگشاده دانا، تهیه و نوشته شود. ایشان از قدیمی ترین همکاران پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات (مرکز تحقیقات مخابرات ایران) و به معنای واقعی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شدند. جناب آقای دکتر بدیع، دانش آموخته دبیرستان البرز بودند و مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته مهندسی برق با گرایش بازشناسی الگوز انستیتو فناوری توکیو دریافت نمودند. ایشان بعد از دانش آموختگی به کشور بازگشتند و از همان زمان در مرکز تحقیقات مخابرات ایران مشغول به فعالیت پژوهشی شده و همواره منشأ خدمات علمی و فنی بسیاری در کشور بودند. از جمله تربیت



دهها کارشناس و متخصص و دانش آموخته در سطوح مختلف تحصیلی و سرپرستی پایان نامه‌های آنها و انجام پروژههای پژوهشی نظری و کاربردی فراوان، نشر کتب درخشان به زبان فارسی، انتشار دهها مقاله علمی در کنفرانس‌ها و مجلات علمی و برگزاری سخنرانی‌های علمی متعدد و شرکت در نشست‌های ترویجی. آن استاد فقید در کمال ژرفنگری در مسیر علمی حرکت می‌نمودند و همواره به دست یافتن به عمق معنای دانش تأکید داشتند. شناخت آن استاد حاکی از تعمق و تدبیر ایشان در مسیر توسعه دانش علوم شناختی و هستان‌شناسی بود که در آن تبحر داشتند.

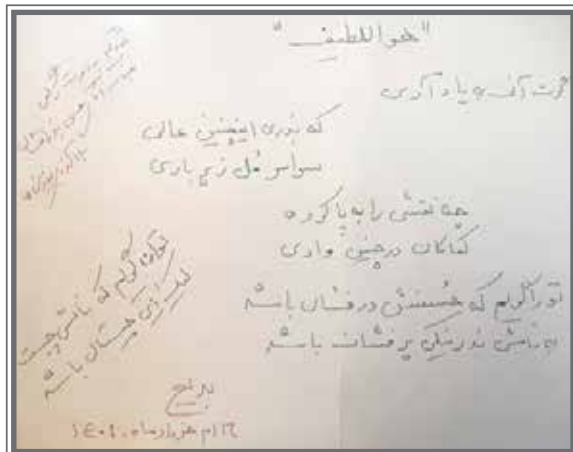
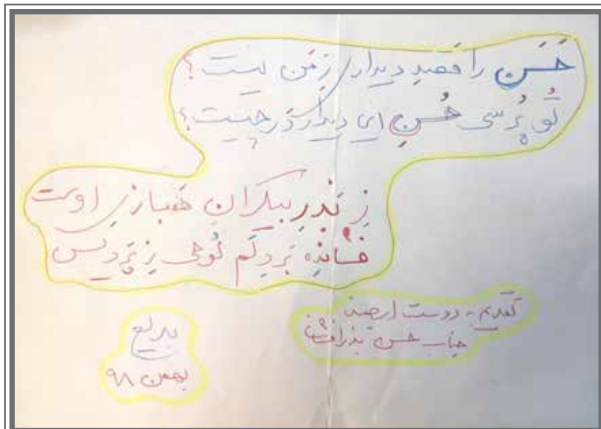
فعالیت‌های ایشان در فرهنگستان علوم با هدف صیانت از فرهنگ و ارزش‌های ملی در مسیر توسعه علم و فناوری بسیار تأثیرگذار بوده و قطعاً یاد آن چهره شاخص علمی را برای کشور عزیزمان ماندگار خواهد نمود. بی‌شک، جامعه علمی و دانشگاهی کشور، متخصصان و فناوران صنعت انفورماتیک کشور و کلیه همکاران پژوهشگاه محل خدمت، فارغ از دانش وسیع علمی؛ ایشان را به عنوان استاد اخلاق پژوهشگاه هم می‌شناختند. خاطره‌ای که ایشان از خود برای همه به جا گذاشتند، تواضع و گشاده‌رویی همیشگی بود. از دست دادن ایشان ضایعه بزرگی برای پژوهشگاه، جامعه علمی و بویژه بخش انفورماتیک کشور محسوب می‌شود. خاطره فروتنی ایشان را با مثال کوچکی به دوستان یادآوری می‌کنم. در دهه شصت شمسی که در سازمان استعدادهای درخشان در دبیرستان دخترانه تیزهوشان فرزانتگان طراح و مجری برپائی یک مرکز آموزش انفورماتیکی پیش دانشگاهی به اسم دانا بودم، جسارت کردم و از ایشان دعوت نمودم دوره‌ای برای آموزش هوش مصنوعی به دختران دبیرستانی طراحی و تدریس کنند که ناباورانه شاهد استقبال و پذیرش ایشان بودم که به سرعت به اجرای کلاس‌ها منجر شد، این در شرایطی بود که آن زمان هنوز در دانشگاه‌ها هم آموزش هوش مصنوعی رایج و عمومی نشده بود. اما با شرکت ناباورانه در این اندوه جمعی، اشاره‌ای به حمایت مستمر ایشان از سه انجمن علمی رشته انفورماتیک در کشور می‌کنیم. دکتر بدیع از سالیان پیش تاکنون در عمر حدود نیم قرن انجمن انفورماتیک ایران، اولین و قدیمی‌ترین انجمن در این حوزه در ایران، یار و یاور بی‌چشمداشت انجمن بودند و ما بهره‌ها از دانش و علم و دوستی و حیثیت فرهنگی ایشان بردیم. ایشان علاوه بر عضویت در هیأت اجرائی انجمن انفورماتیک ایران در دوره ششم طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ از دیرباز همواره از اعضای اصلی هیأت تحریریه و ویراستاران علمی ماهنامه گزارش کامپیوتر انجمن بودند. دکتر بدیع از موسسین دومین انجمن این رشته که در دهه هفتاد تشکیل شد، یعنی انجمن کامپیوتر ایران هم بودند و در دوره‌های اول و دوم و چهارم تا هشتم در هیأت مدیره آن حضور داشتند. در انجمن یادگیری الکترونیکی ایران (یادا) در سال ۱۳۸۹ به عنوان یکی از اعضای موسس حضور داشتند. روحشان قرین شادی و رحمت.

سید ابراهیم ابطحی، استادیار دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست
چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

دریغا که دکتر کامبیز بدیع از میان ما رفت. اما خاطره او زنده و پا برجا است. زنده‌یاد دکتر بدیع را برای اولین دفعه در یکی از جلسات علمی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی ملاقات نمودیم. ایشان به همراه روان شاد دکتر کارو لوکس این جلسات را برگزار می‌کرد. حسن خلق، گشاده روئی، تمایل به تبادل تجربه و یادگیری مداوم موجب شد که ارتباط دوستانه‌ای میان ایشان و ما برای سال‌ها برقرار شود. پس از ازدواج ایشان با خانم دکتر طایفه محمودی معاشرت خانوادگی ما تداوم یافت. این تداوم باعث شد که گفت و گوهای ادواری خانوادگی به جلساتی تبدیل شود که در آن درباره موضوع‌های حرفه‌ای به تبادل نظر علمی می‌پرداختیم. از جمله علاقه‌مندی ایشان به ریشه‌واژگان فارسی و پی‌جوئی کاربرد آن‌ها بود. به طور کلی، یکی از ویژگی‌های روان شاد دکتر بدیع میان‌رشته‌ای بودن دانش ایشان بود. با توجه به این که دکتر بدیع در رشته مهندسی برق تمام مقاطع تحصیلی را در نظام آموزش عالی ژاپن گذرانده بود، علاقه‌مندی خود را به موضوع‌های زبان شناختی، علوم اجتماعی، و موسیقی به طور میان رشته‌ای نمایان می‌ساخت. بدین طریق با درهم تنیدن روش‌های علوم مهندسی با مباحث علوم انسانی هم صحبتی با ایشان بسیار مغتنم بود. علاوه بر آن، ایشان در شناخت دستگاه‌های موسیقی ایرانی تبحری قابل تحسین داشت. ضمن آشنائی با دستگاه‌های مختلف، می‌توانست به سهولت هر یک از دستگاه‌ها را شناسائی و برای شنونده بازنمائی کند. یادش گرامی و روانش شاد باد.

فریده مشایخ و عباس بازرگان، دانشگاه تهران



حسن بذرافشان، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

به یاد دوست سفر کرده

آشنایی من با آقای دکتر بدیع به سال ۱۳۸۳ باز می‌گردد، در آن زمان به واسطه پروژه‌های با مرکز تحقیقات مخابرات همکاری داشتم. به‌آد دارم برای کتابی به ایشان مراجعه کردم و با آن که من را نمی‌شناختند، با روی باز و گشاده برخورد کردند و کتاب را در اختیارم قرار دادند. از آن پس، فرصت بیشتری برای دیدار ایشان در جلسات انجمن‌های علمی، کنفرانس‌ها و جلسات دفاع دانشجویان دست داد و ارتباط نزدیکتری به وجود آمد. ایشان در همایش‌ها، کارگاه‌ها و امور آموزشی و پژوهشی، دوست و همراهی مطمئن و همیشگی برای گروه مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه خوارزمی بودند و از دست دادن ایشان برای دوستان و همکاران دانشگاه خوارزمی فقدانی جبران‌ناپذیر است.

در گذر این سال‌ها ایشان را این گونه شناختم:

- پارسی‌گوی شیرین‌سخن: پافشاری و تلاش زیاد ایشان بر استفاده از واژگان فارسی تحسین برانگیز و آموزنده بود. لحن آهنگین کلام و شمرده سخن گفتن آقای دکتر بدیع، هر شنونده‌ای را جذب و مشتاق شنیدن می‌کرد. در سخنرانی‌های ایشان، آن لحن آهنگین جادویی و محتوای ارزشمند کلام بود که شنونده را بر سر ذوق می‌آورد.
- نیک‌اندیش، نیک‌بین و ریزبین: دکتر بدیع فردی بود که به معنای واقعی کلام گفتار نیک، پندار نیک و رفتار نیک را در زندگی کاری و شخصی معنا کرده بود. می‌توانست از دل جلسه دفاع دانشجویی، نکاتی ارزشمند استخراج کند و دانشجوی و حاضران را با بینشی جدید از کار انجام شده روبرو سازد. بیان ایشان در ارائه این بینش به گونه‌ای بود که ریزبینی و نیک‌بینی ایشان را به حاضران نشان می‌داد به گونه‌ای که‌آد ایشان به عنوان یک انسان خاص در ذهن بسیاری از افرادی که ایشان را فقط در جلسه دفاع خود دیده‌اند، ماندگار شده است. او مصداق «گر گل است اندیشه تو گلشنی» بود، در جلسات مختلف دریافتم که ایشان در هر موضوع، جنبه مثبت و نیک آن را مورد توجه قرار می‌دهد و آن را با تبحر و بیانی شیوا، برجسته می‌سازد.
- افتاده، نجیب و متین: افتادگی بارزترین ویژگی ایشان بود و با دیگران، در هر سن و شغلی با افتادگی و احترام برخورد می‌کردند و دعوت به شرکت در جلسات مختلف علمی را با روی گشاده می‌پذیرفتند. گشاده‌رویی، متانت و گوش‌سپاری به نظرات دیگران، توسط ایشان که جزو پیشگامان حوزه هوش مصنوعی در کشور به شمار می‌روند، انگیزه‌ای قوی در پژوهشگران جوان برای ادامه کار ایجاد می‌کرد.
- مهربان و خیرخواه: مهربانی و خیرخواهی بدون چشم‌داشت، آقای دکتر بدیع را تبدیل به‌آک الگوی مانای انسانی کرده است. در وصف فقدان آقای دکتر کامبیز بدیع، مطابق سخن رودکی، باید گفت:

وز شمار خرد هزاران بیش

از شمار دو چشم یک تن کم

میرمحسن پدram، دانشگاه خوارزمی



برادر بزرگ آکادمیک من



به زبان خودتان با شما سخن می‌گویم، همان که از شما آموخته‌ام؛ (هر چند آموخته‌هایم از شما، الحمدلله هزاران است)

برادر بزرگ تیر ماهی من:

اولین بار که در جمع صمیمی گروه‌تان دعوت شدم، همان موقع که رئیس پژوهشکده IT بودید؛ هنوز چهره‌های حاضر در جلسه را ندیده بودم و نمی‌شناختم که از من در مورد سال تولد و ماه تولد و حتی روز تولدم سوال کردید و من نمی‌دانستم که چرا تا این حد دقیق به این سوالات پاسخ می‌دهم، و چه افتخاری بالاتر از این که در اولین جلسه مشترک فهمیدم که در یک ماه به دنیا آمده‌ایم.

البته در دیدار طولانی قبلی‌مان در مهمانی جنبی جشن کوچک تولدتان در اسپانیا در کنفرانس جهانی کنترل ۲۰۰۴، با سخنان جذاب شما در مورد ماه و سال تولد و خوشه‌بندی‌های فوق العاده جالب توجه از نظر علائق و سلائق افراد آشنا شده بودم؛ از ویژگی‌های شخصیتی افراد گرفته تا علائق موسیقایی و هزار و یک خصلت دیگر که به زیبایی به ماه و سال تولد ربط می‌دادید. و چه زیبا بود که به واسطه وجود ارزشمند خانم دکتر محمودی عزیز در جمع دانشجویانم؛ در همه مهمانی‌هایی که با دانشجویان داشتیم؛ حضور گرانقدر خود را بر ما هدیه می‌کردید. در این جلسات، پس از گفتگو و مباحث علمی و پرسیدن از موضوعات تحقیقاتی دانشجویان، گفتگو به حوزه دسته‌بندی‌های ماه و سال می‌رسید و حدس‌های بسیار هوشمندانه‌تان درباره ماه و سال تولد کسانی که برای اولین بار ملاقات می‌کردید، همیشه شادی و حیرانی جمع را در پی داشت و البته از خلال مباحث و گفتگوها، جمع دانشجویان می‌آموخت که اگر در مسیر پژوهش خود در تنگنای چیدن قافیه‌های علمی، در مخمصه افتاد؛ به چه کسی می‌تواند مراجعه کند. به استاد بی‌بدیل سخن، دکتر بدیع؛ و من چگونه جرئت کرده‌ام با استاد سخن؛ سخن بگویم و در محضر شما، کلمات را کنار هم بچینم، در حالی که وسواس عالمانه شما را در لحظات چیدن کلمات، هزاران بار دیده بودم. و حالا چگونه هر روز به یادتان نباشیم در حالی که در جستجوی واژه و در مخمصه معادل‌سازی؛ یک نام بر زبان و ذهن‌مان جاری می‌شود؛ دکتر بدیع

"نه خلاصی از این مخمصه دیگر داریم و نه خلاصی از دل‌تنگی جاری در روح و قلب‌مان" انبان وسیع خاطراتم را زیر و رو می‌کنم، تا وجهی بیابم از وجوه درخشنده وجودتان، که قابل عرضه به دوستداران‌تان باشد. از کدام خصلت بگویم که دیگران تاکنون بارها و بارها آن را نگفته باشند؛

از تواضع فوق العاده‌تان

از ادب همیشه حاکم بر وجودتان

از آن همه مهرورزی با پیر و جوان

از احوال پرسشی‌های پر از صمیمیت‌تان از تک تک خانواده از کوچک و بزرگ. نه، همه را گفته‌اند.

پس من از دل‌تنگی‌های خودم می‌گویم.

آقای دکتر بدیع، دلم برای این که به بهانه‌ای بیابم مرکز؛ به اتاق‌تان سر بزنم؛ شما به دایره آشنایان‌مان زنگ بزنید؛ چای سفارش دهید، دور هم جمع شویم، و باز از محضر شما بیاموزیم، تنگ شده است.

آقای دکتر عزیز

دلم تنگ است برای این که در کارگروه کوچک سه نفره‌مان؛ شما و آقای مهندس خراط و بنده؛ مقاله داوری کنیم؛ نگاه عالمانه شما را ببینم و بیاموزم که از هر یافته کوچکی تقدیر کنم، بیاموزم که از هر پژوهشگر هموطن در گوشه و کنار کشور حمایت کنم؛ بیاموزم که از فرصت‌ها را در اختیار همه قرار دهم؛ دلم تنگ است برای آموختن مستمر از شما.

استاد گرانقدر

دلم برای جلسات طولانی چند ساعته که که با محمد صفار و سجاد صالحی خدمت‌تان می‌رسیدیم، تنگ است (و شما برای حفظ

وزن اسامی ما سه تن را صفار و سجاد و فتان بر وزن فعال خطاب می‌کردید و از بازی با اوزان اسامی لذت می‌بردید.)
دلم برای جلسات پیشرفت پایان‌نامه دکتر کاوه پاشایی تنگ است که چه زیبا در ترکیب سیستم چندعاملی با مباحث ژنتیک ما را راهنمایی می‌کردید.

دلم برای تکرار آن اولین باری که سعادت دیدارتان در سال ۱۳۷۴ نصیبم شد، تنگ است. خاطرتان هست؟
آمده بودم که در نوشتن بیانیه تحقیق برای دکتر از شما کمک بگیرم. همان موقع بود که فهمیدم استاد راهنمایی که برگزیده‌ام؛ همان استاد راهنمای شماست (و چه حیف که بعداً تغییرش دادم)

دلم برای تمام جلساتی که در درس سیستم‌های چندعاملی راجع به انواع هوش مصنوعی در کلاس صحبت می‌کردید، تنگ است. و چه زیبا این روش‌ها را بیان می‌کردید. و با چه تبحر عالمانه‌ای، پیچیده‌ترین مباحث را به ساده‌ترین زبان برای دانشجویان گره‌گشایی می‌کردید. چه بسا گاهی به عمق پیچیدگی آن پی نمی‌بردند، و نمی‌دانستند داستان روانی که از زبان شما شنیده‌اند، مرور چندین جلد کتاب هوش بوده است.

دلم برای شنیدن از زبان شما تنگ شده است. برای شنیدن تحلیل‌هایتان از روندهای مختلف اجتماعی و تاریخی و مانند آن؛ همان روندهایی که گاهی در عین ناامیدوار کننده بودن، شناخت الگوهای شناسایی شده توسط شما، تلخی‌شان را می‌کاست.
برادر بزرگ مهربانم،

به ما بگویید، این همه دلتنگی را کجا ببریم؟

کاش در آن جلساتی که خالصانه وقت گراند و عمر ارزشمندتان را در اختیارمان می‌گذاشتید؛ لابلای انبوه سوالاتی که می‌پرسیدیم؛ این را هم جا می‌دادیم؛ این سوال که این دلتنگی را چه چاره کنیم؟

دلم برای این که ۱۲ تیر، روز تولدتان خدمت برسم و از زبان شیرین شما بشنوم که شما و کافکا و تام کروز، هر سه نفر ۱۲ تیر به دنیا آمده‌اید، تنگ شده است. من چگونه می‌دانستم که انتظارم برای زمان مناسب تقدیم کادوی هفتاد سالگی‌تان، به ابدیت وصل خواهد شد.

غم نبودن‌تان؛ مثل مار نماد سال تولدتان؛ بردل پر احساس تیر ماهی‌ام؛ چنبره زده است؛ و اینجا جا خوش کرده است تا ابد.
تا روزی که دیدارها تازه شود و سوال‌های نرسیده را یکجا از محضرتان بپرسم.

نام تان مانا بادا تا ابد

فتانه تقی‌یاره، دانشگاه تهران

به یاد دوست سفر کرده

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز



این سطور را به یاد استاد گرانمایه، جناب آقای پروفسور کامبیز بدیع می‌نویسم نه از آن جهت که با چند سطر بتوان حق همکاری ۲۵ ساله را ادا کرد، بلکه از آن جهت که برای نسل آینده به‌ادگار بماند که برای خوشنام بودن نیازی به مادیات، مقام و زور بازو نیست. درک متقابل و محبت به هم‌نوع، ماندگاری را به ارمغان می‌آورد.

از خصوصیات استاد این بود که جز در حوزه‌های تخصصی خود اظهار نظر نمی‌کردند و وقتی مشغول بحث علمی می‌شدند، اشتیاق به جامع‌نگری و کشف حوزه‌های جدید و درک طرف مقابل در چهره‌شان

پدیدار بود. اگر فرصت داشتند از سوال و جواب خسته نمی شدند و تلاش شان بر این بود که موضوع را تا حد امکان برای طرف مقابل ساده و قابل درک نمایند. همیشه شنونده خوبی بودند و به همین دلیل از میان صحبت های مخاطب، مطالب را استخراج و با ذهن مهندسی و نظام مند خود، چارچوب نوآورانه ای برای تفکر و هم اندیشی در خصوص موضوع ترسیم و آن را برای مخاطب تشریح می کردند.

از آنجا که در چندین حوزه وارد شده بودند، لذا کلامشان از سختی و زمختی علم مهندسی و ریاضیات که برخی آن را نمی پسندند رنج نمی برد بلکه مفاهیم مهندسی را با ملاحظه ادبیات و ملایمت روان شناسی و طالع بینی درآمیخته بودند و این باعث می شد مخاطب از یک بحث سنگین، کمتر احساس خستگی کند. هرکس با ایشان جلسه ای را گذرانده، به روحیه شوخ طبعی، ژرف نگری تواضع و توان علمی ایشان در حوزه های متعدد اقرار خواهد داشت.

از آنجا که نسل نو در جامعه دیجیتالی امروزه، به اندازه کافی شاهد شیرین ارتباطات سنتی اجتماعی را نچشیده است لذا گاهی انسان ها را با آواتار اشتباه می گیرند. در این عصر تنهایی و افسردگی ناشی از آن بزرگترین مشکل خواهد بود. ان شاء الله الگوگیری از استاد صبور و فرهیخته مان بتواند این افسردگی ها را برطرف کند.

خوشبختی به مال، مقام و مکر نیست، کسی که زیاد می خندد لزوماً انسانی شاد نیست. گاهی انسان ها از عقده ناراحتی خود را خندان نشان می دهند. وقتی دلی را به دست آرید از درون احساس رضایت خواهید کرد و این احساس رضایت شادی واقعی و حس خوشبختی را برایتان رقم خواهد زد. یاد استاد عزیزمان دکتر بدیع گرامی.

فاطمه ثقفی، دانشیار دانشگاه تهران و همکار قدیمی ایشان در پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید



هیچ کس از محضر استاد با دست خالی برنگشت! استاد می دانست تو چه می خواهی و به فراخور حالت تو را از چشمه معنی سیراب می کرد.

واقعا او که بود؟ شمس بدیع که بود؟ چه کسی او را این گونه سرگشته و شیدا کرده بود؟ آخر مگر قلم توان توصیف این مرد فرزانه را دارد؟ چگونه می توان روح بزرگ و ابعاد وجود این انسان شریف را برشمرد؟

او انسانی با صفات و کمالات برجسته بود که قلم از بیان آنها قاصر است. او در مواجهه با اطرافیان انسانی مهربان، گشاده رو، مودب، شوخ طبع، فروتن، بخشنده و بارحم، بی ریا، خوش بیان، شکرگزار، باوقار، بامتان و آرامش درونی بود و در امور کاری انسانی مثبت-نگر، روشنفکر، دقیق، منصف، باوجدان، خلاق، پویا، عاشق یادگیری، سخت کوش و باپشتکار بود.

پروفسور بدیع را کسانی خوب شناختند که با او زندگی و معاشرت کردند. استاد را کسانی خوب درک کردند که در محضر او زانو زدند و تلمذ کردند. او واقعا خلیفه به حق خدا در زمین و مصداق «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» بود که اکنون با کرامت و شرافت ذاتی خود از ملک تا ملکوت را اینگونه عاشقانه پیموده است.

فرشاد حکمی زاده، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات



دکتر کامبیز بدیع ، استاد پژوهشگاه ارتباطات و فناوری ارتباط ، از افراد موثر در رشته مهندسی کامپیوتر ایران، بخصوص گرایش هوش مصنوعی بودند. محققین بسیاری در کنفرانس‌های مختلف از سخنرانی‌های کلیدی ایشان بهره‌مند شدند. ایشان در بسیاری از انجمن‌های مرتبط با حوزه کامپیوتر از موسسین یا موثرین بودند. بر این اساس، جامعه علمی ایران از شخصیت علمی ایشان بسیار بهره‌مند بودند.

دکتر بدیع همواره طالب علم و آموختن بودند و در ارزیابی مقالات با بسیاری از مجلات داخلی و خارجی همکاری داشتند. در ارزیابی مقاله اغلب تلاش می‌کردند با نقدهای دقیق و سازنده، به ارزش علمی مقاله بیفزایند. بنده شخصاً افتخار داشتم که بیش از ده سال همکار

آقای دکتر بدیع در هیئت تحریریه مجله بین‌المللی مهندسی (International Journal of Engineering) باشم. در جلسه هیئت تحریریه شاهد آن بودیم که آقای دکتر بدیع با دقت و حوصله مقالات را ارزیابی می‌کردند و با ارایه نظرات سازنده برای بهبود مقالات حوزه تخصصی خود تلاش می‌کردند. با توجه به آنکه آقای دکتر بدیع تحقیقات گسترده‌ای در حوزه لغت‌شناسی داشتند، فعالیت در این حوزه به عنوان یکی از سرگرمی‌های ایشان بود و در بسیاری از جلسات نتایج جالبی از ریشه‌بری از کلمات به ما می‌دادند. یکی از نکات جالب این بود که ایشان ریشه برخی از کلمات در زبان‌های مختلف را یکسان می‌دانستند. آقای دکتر بدیع نه تنها شخصیت علمی برجسته‌ای داشتند، از نظر احترام به دیگران نیز فرد شایسته‌ای بودند. شخصیت اجتماعی ایشان با دیگران، حتی دانشجویان بسیار جذاب بود. بر این اساس، همکاران و دانشجویان همواره از ایشان به نیکی یاد می‌کنند. دکتر بدیع از تلفن همراه استفاده نمی‌کردند، به همین جهت ایشان همیشه به دوستان و همکارانشان محبت نشان می‌دادند و با تلفن ثابت از منزل تماس می‌گرفتند. خداوند روح بلند این استاد فقید را شاد گرداند، و ایشان را مورد لطف رحمت خودش قرار دهد.

حمید حسن پور، دانشگاه صنعتی شاهرود، سردبیر مجله AI & Data Mining

به نام دوست گشاییم دفتر دل را به فر عشق فروزان کنیم محفل را

حدود چهل دهه از دوران دوستی و همکاری من با زنده‌یاد دکتر بدیع می‌گذرد. او با شخصیت شیرین و سخنان پرمغز، جذاب و پیچیده‌اش، مخاطب را مسحور خویش می‌ساخت. مسئولیت‌پذیری، همکاری و تعامل تاثیرگذار بر دانشجویان و همکاران از دیگر ویژگی‌های برجسته او بود که حس علاقمندی و احترام متقابل را در همگان برمی‌انگیخت. خاطرات بی‌شماری از شخصیت منحصر به فرد اخلاقی، علمی و دوست‌داشتنی ایشان بر لوح وجودم نقش بسته که همیشه به‌آادگار خواهد ماند. یکی از این خاطرات، مربوط به رایحه دلنواز پیپ اوست که طی سالیانی که هم اتاق بودیم آن چنان مرا وابسته

کرد که پس از جدا شدن اتاق‌هایمان نیز تا مدت‌ها احساس خماری داشتم، غافل از آن‌که

همه عمر برندارم سر از این خمار مستی که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی یاد و خاطراتش همواره با ما، منش و روشش الگو و هدایتگر مریدان

احمد خادم زاده، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات



دلنوشته‌ای به یاد استاد عزیزم پروفسور کامبیز بدیع



گفتن و نوشتن از مردی که صاحب کلام و قلم بود کار بسیار مشکلی است، اما عنان این نوشتار را به دل می‌سپارم از باب قطره‌ای ادای دین. همه چیز از یک غروب پائیز سال ۶۸ شمسی شروع شد. چند روزی بود که در مرکز تحقیقات مخابرات ایران (پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات کنونی) در طرح آزمایشگاهها مشغول به کار شده بودم. در پایان یک روز کاری از راه‌پله پشت ساختمان مشغول تماشای غروب آفتاب بودم که صدایی متین، باوقار و بسیار محترم از پشت سر مرا مخاطب خود قرار داد. وقتی برگشتم برای اولین بار با پروفسور کامبیز بدیع مشغول معارفه و گفت‌وگو شدم.

نگاه به پدیده زیبای غروب آفتاب و تصویرسازی و تفسیر ایشان به‌عنوان یکی از متخصصان عالی‌رتبه یک سازمان فناورانه برایم بسیار جذاب و دلنشین بود و موجب شروع دوستی و ارادتی مستمر از آن لحظه، تا همه عمر شد. لطف خداوند شامل حالم شد و ارتباط سازمانی ما هم به گونه‌ای رقم خورد که در تمام این سی و سه چهار سال همکاری، همواره به نوعی در کنار ایشان فرصت یادگیری و تجربه‌اندوزی داشتم. برخی از این دوران مربوط می‌شوند به: حضور ایشان به‌عنوان معاون طرح آزمایشگاهها و طراح الگوهای هوشمندانه آزمون مراکز تلفن، همکاری در کمیته خبرگان تغییر مأموریت وزارت پست و تلگراف و تلفن به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، شروع مطالعات نظری فلسفه علم در پژوهشگاه و ایجاد گروه جامعه اطلاعاتی و پس از آن پژوهشکده فناوری اطلاعات در پژوهشگاه، انجام پژوهش‌های بنیادی در حوزه موتورهای استنتاج هوشمند در حوزه سامانه‌های آموزشگر هوشمند، ارائه یک مدل نوین در روش استنتاج مورد پی مبتنی بر یک لایه تفسیر میانی، حضور در کمیته‌های علمی مجامع و نشریات علمی کشور و ... بسیاری از موضوعات گوناگون در عرصه علم و دانش که ذکر عناوین همه آنها در این مقال کوتاه نمی‌گنجد. در تمام عرصه‌هایی که از برخی از آنها یاد شد، شاید یکی از جلوه‌هایی که در خاطر جمعی همه همکارانی که از نزدیک با پروفسور کامبیز بدیع همکاری داشتند نقش بسته باشد، نگاه شناخت‌ورزانه و مملو از نوآوری و خلاقیت ایشان است. نگاه زیبایی‌شناسانه و تفسیر و تحلیل موضوعات گوناگون در حوزه‌های دانش متفاوت و درک والای ایشان از مفهوم زبان و ادبیات، این ویژگی را بسیار درخشان و مثال‌زدنی کرده است. ولی ایمان دارم اگر از تمام کسانی که حتی فرصت دیدار کوتاهی با این استاد گرانقدر را داشتند در خصوص مهمترین ویژگی ایشان سؤال شود، بر این موضوع صحه می‌گذارند که پروفسور کامبیز بدیع جلوه‌های زیبای خالق یکتا را می‌دید، به انسانیت عشق می‌ورزید و روح بزرگ و اخلاق‌مداری داشت و همواره در قلب دوستان و همکاران خود زنده خواهد ماند.

محمود خراط، پژوهشگاه ارتباطات فناوری اطلاعات

فرزانگی و فرهیختگی

بیان خصوصیات اخلاقی، رفتاری و ارائه تصویری کامل از مدارج علمی و اخلاقی زنده‌یاد پروفسور کامبیز بدیع بسیار دشوار است؛ چه این که ۲۲ سال در سمت‌های مختلف در مرکز تحقیقات مخابرات (پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات) اعم از پژوهشگر، معاون گروه پژوهشی، مشاور، رییس پژوهشکده فناوری اطلاعات، رئیس پژوهشگاه از وجود استاد در سمت‌های مدیرگروه، مشاور عالی، معاون پژوهشی و رییس اتاق فکر بهره گرفته و با ایشان همکاری تنگاتنگی داشته باشید. وجه تمایز ایشان در مواجهه با مسائل و موضوعات متنوع پژوهشی، فناوری یا اجتماعی، نگاه عمیق معنایی و شناختی همه جانبه و کل‌نگری، برآمده از جهان‌بینی متفاوت همراه بر اخلاق و انصاف است که نمودی شفاف از فرهیخته‌ای چون ایشان بود. جامعیت دانشی و شناختی ایشان در حوزه‌های مهندسی، علمی، اخلاقی، فلسفی، تاریخی ادبی وی را به سرمایه‌ای گران‌سنگ



برای پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تبدیل کرده بود که در ایجاد نگرش نو در برخورد با مسائل -به ویژه حوزه میان رشته‌ای- بسیار مؤثر بود.

هم اکنون تراوشات ذهنی دلسوزانه و معرفت‌نگارانه مستند شده ایشان در انجام پژوهش‌های مهندسی و مدیریتی چراغ راه دانشجویان علاقه‌مند و متعهد بنده در دانشگاه تهران است تا مسیری را که ایشان برگرفته از تعقل، تفکر و شناخت ترسیم کرده‌اند، استمرار یابد. عاری بودن از وابستگی به جریان‌های سیاسی و فکری مختلف، افتادگی و معلمی و پایبندی به صفا و اخلاق و صداقت در مشورت و هدایت‌های پژوهشی-فنی، بارزترین ویژگی‌ها و منش رفتاری آن استاد فقید است. روحش شاد.

محمد خوانساری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران / معاون وزیر و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران

با کمال تأسف، مطلع شدیم که استاد والامقام، مرحوم جناب آقای پروفسور کامبیز بدیع دار فانی را وداع گفتند. فقدان این استاد فرهیخته و پیشکسوت علم، اخلاق و ادب برای پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات (مرکز تحقیقات مخابرات ایران) و جامعه علمی و فناوران حوزه فاوا در کشور، بسیار سخت و جبران ناپذیر بوده و باعث تألم و تأثر عمیق کلیه همکاران آن مرحوم در طول سالیان متممادی خدمات بی شائبه، ماندگار و اثرگذار ایشان در عرصه ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور گردید. آن مرحوم، از قدیمی‌ترین پژوهشگران این پژوهشگاه و به معنای واقعی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شدند که بسیاری از افتخارات و اعتبار پژوهشگاه و مدار حضور و زحمات ایشان بوده است. جناب آقای دکتر بدیع فارغ التحصیل دبیرستان البرز بودند و مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته مهندسی برق با گرایش بازشناسی الگو از انستیتو تکنولوژی توکیو دریافت نمودند. ایشان بعد از فارغ التحصیلی به کشور بازگشتند و از همان زمان در مرکز تحقیقات مخابرات ایران مشغول به فعالیت پژوهشی شده و همواره در طول این سال‌ها منشأ خدمات علمی و فنی بسیاری در جامعه علمی کشور بودند. آن استاد فقید در کمال ژرف‌نگری در مسیر علمی حرکت می‌نمودند و همواره به فراگیری عمیق مفاهیم دانشی تأکید داشتند و خود نیز به جد به آن پایبند بودند. شناخت ایشان از جهان هستی و روحیه توحیدی استاد حاکی از تعمق و تدبیر ایشان در مسیر توسعه دانش علوم شناختی و هستان‌شناسی بود که در آن تبحر بسیار داشتند. در کنار تلاش‌های ایشان در پژوهشگاه، همکاری ایشان در فرهنگستان علوم و سایر نهادهای علمی کشور با هدف صیانت از علم و فرهنگ بسیار تأثیرگذار بوده است و قطعاً یاد آن چهره شاخص علمی را برای کشور عزیزمان ماندگار خواهد نمود. فارغ از دانش وسیع علمی؛ جامعه علمی و دانشگاهی کشور، متخصصان و فناوران صنعت ICT و کلیه همکاران این پژوهشگاه، ایشان را به‌عنوان یک استاد اخلاق برجسته اخلاق می‌شناختند. خاطره‌ای که ایشان از خود برای همه به جا گذاشتند، تواضع و گشاده‌رویی همیشگی بود. آرامش و



وقار دایمی و علاقه ایشان بآواری دیگران در همه امور علمی و اجرایی پژوهشگاه بسیار درس‌آموز بود. درگذشت ایشان ضایعه بزرگی برای پژوهشگاه، جامعه علمی و به ویژه بخش ICT کشور محسوب می‌شود. از خداوند بزرگ برای ایشان رحمت واسعه و برای بازماندگان و به ویژه همسر محترم آن مرحوم سرکار خانم دکتر محمودی صبر و شکیبایی مسئلت داریم. روح ایشان شاد، یادشان ماندگار و راهشان پر رهرو باد.

سیدمحمد رضوی زاده، رئیس پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات



اولین روزی که مرحوم آقای دکتر بدیع را زیارت نمودم در جلسه‌ای بود که در دفتر جناب آقای دکتر هاشمی گلپایگانی در دانشکده مهندسی پزشکی دانشگاه صنعتی امیرکبیر باحضور مرحوم آقای دکتر کارو لوکس و تنی چند از اساتید آن دانشکده که به بهانه ریاضیات هوشمند تشکیل شده بود. توفیقی بود که آنروز حاصل شد و حقیر را در جمعی قرار داد که بعدها اعضایش صمیمی‌ترین و واقعی‌ترین دوستانم را تشکیل دادند. دکتر کارو لوکس را، که دو سه شب قبل از هجرتش او را گرم و صمیمی در ملاقاتی طولانی خوب خوب دیدم و تجربه کردم و دکتر بدیع را که دو سه روز قبل از رحلتش در یک مذاکره تلفنی طولانی گرم و صمیمی خوب خوب شنیدم و گفتم، و دکتر هاشمی را که انشاءالله آفتاب عمرشان

دیرغروب و پایدار بماند هر دو هفته به بهانه دیدن ایشان رنج حضور در فرهنگستان علوم را بخود هموار می‌کنم تا شاید در ساعاتی چند از حضور گوارا و بی‌چند و چونش لذت برده و بهره‌مند می‌گردم. از آنروز دکتر بدیع عزیز را بسان خویشاوندی که انگار سال‌های سال از معارفه و دوستیمان می‌گذشت در زندگی اخلاقی، علمی و فرهنگی‌ام الگوبرداری نمودم و سعی کردم تا شاید بتوانم گوشه‌ای از نمودهایش را تقلید نمایم. مانند کسی که بهانه‌سازی می‌کند تا عزیز دل‌بندش را هر چه بیشتر ببیند در هر زمان یا مکانی بهانه‌های جور می‌کند تا در کنارش باشم. گاهی در جلسه مشاوره علمی دانشجویانمان در دفاتر کاری، گاهی به بهانه داوری رسالات در دانشگاه‌ها و گهگاه هم در مجلس آبگوشت‌خوری مخفی اتاق استاد عزیزم جناب آقای دکتر خادم زاده در مرکز تحقیقات مخابرات که سه نفری فارغ از کل جهان هستی آنرا می‌کاویدیم و می‌پاییدیم و بعد هم از عمق وجود به آن می‌خندیدیم. بی‌هیچ نگرانی و بی‌هیچ سانسور و بلافصل از همه دغدغه‌های دنیایی! همیشه حسم این بود که دکتر بدیع عزیز که همواره لبریز بود از تازگی و گفت‌وگوهای بدیع را بایستی مستمراً تخلیه کرده و هر چه بیشتر داده‌هایش را ترخیص کرد. مبدا که ابداعات و تازگی‌هایش در گذر زمان زنگار گرفته و در آن پنهان و ما از دریافت‌شان محروم گردیم. هر ملاقاتش فقط بهانه‌ای بود برای بیشتر کاویدنش و انگار که این موجود عزیز پایانی بر خلق و ابداعش متصور نبود. برای هر سوالی پاسخی داشت و در هر زمینه‌ای از حکمتی برخوردار. انگار خدا در وجودش کانی را به امانت گذارده بود که در شیخ‌الرئیس و حلاج و میرداماد به ودیعه گزارده. او مستمراً می‌جوید و اگر تحریک و بهانه‌ای درش صورت می‌گرفت حتی می‌بارید. اما حیف که همانگونه که زاده و کارو و میرزاخانی طلوع‌ناکرده غروب کردند این دانشمند گرانمایه نیز جوانی علمی ناکرده هجرت کرد و جامعه علمی کشور را یتیم کرد. او رفت و به کسوت پیشینیان درآمد و ما ماندیم در کسوت غربت دنیا به واسفای بی‌آنان ماندمان. خدایش او را و پیشینیان او را غریق رحمت خویش قرار داده و ما را در این غربت غریب تنها نگذارد. انشاءالله!

روز مبعث، در کنار مزار کامبیز بدیع، شاگرد همیشه داغدارش، سعید ستایشی

سعید ستایشی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

و ز شمار خرد، هزاران بیش

از شمار دوچشم، یک تن کم



دکتر کامبیز بدیع، برای من رفیقی همراه و همکاری فهیم بود. او دانشمندی بزرگ، و انسانی مهربان و نرم‌خو و دوست داشتنی بود، با دقتی مثال‌زدنی، با حوصله‌ای بی‌نظیر، با نگرشی وسیع، با روحی بزرگ، و با مناعت طبعی فاخر. او همچنین عالمی شاخص، فردی هوشمند، استادی فروتن، بزرگی بی‌ادعا، و انسانی بی‌اعتنا به قاذورات دنیوی بود. حیف و صد حیف، چه زود از این دنیا پر کشید و به سوی آسمان‌ها شتافت. خدایش رحمت کند و به روح بزرگش آرامش ابدی دهد.

احمدرضا شرافت، دانشگاه تربیت مدرس، فرهنگستان علوم

یادی از انسانی شریف و دانشمندی فرهیخته

دی ماه سال ۱۳۶۹ در روز گشایش نخستین کنفرانس زبان شناسی در میان آشنایان و همکاران زبان شناس چهره تازه‌ای توجهم را جلب کرد. جوان محبوب و لاغراندازی بارانی برتن که در کناری از سالن نشسته و با علاقه مطالب سخنرانان را دنبال می کرد. هنگام سخنرانی ایشان با موضوع تحلیل انگیزه و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های هوشمند مهندسی دریافتیم که به مسائل پردازش زبان و تحلیل معنا توجه خاصی دارند و این بهانه‌ای برای گفتگو و آشنایی بیشتر ما شد. جالب‌تر آنکه در ادامه، بحث‌های ما به ساختار ریشه‌شناسی واژه‌ها کشید، زمینه‌ای که شم زبانی و فارسی‌دانی تحسین برانگیز دکتر کامبیز بدیع را آشکار



می ساخت. در نخستین سمینار زبان‌شناسی رایانشی نیز ایشان با رویکردی تفسیری به امر واژه‌گزینی، دو دیدگاه اطلاعات کاوی بر پایه استقراء و همجوشی اطلاعات را به شیوه‌ای بدیع مطرح نمود. با چنین شناختی بود که از آغاز تشکیل گروه واژه‌گزینی رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از ایشان نیز برای همکاری دعوت شود. همکاری پرباری که چند سال دوام یافت.

وی با قریحه‌ای سرشار، ذهنی پویا، روحی بزرگ و حساس، احساسی لطیف و منشی خردمندانه نمونه انسانی والا و دانشمندی راستین بود. این ویژگی‌ها از وی شخصیتی چندبعدی ساخته بود؛ جان بیدار او در کالبد تنگ مادی نمی گنجید و همواره در سپهری معنوی پرواز می کرد.

حجاب چهره جان می شود غبار تم
خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحنیست
رؤم به گلشن رضوان، که مرغ آن چمنم

موسیقی اصیل ایرانی را نیکو می شناخت و می نواخت. در همه دیدارها و گفتگوها نکته‌سنجی‌ها و شوخ‌طبعی‌ها و درک عمیقش از ادبیات و شعر پارسی آن چند گاه را به لحظه‌هایی دلپذیر و فراموش‌ناشدنی بدل می کرد.

یادش گرامی و نامش جاودان

مصطفی عاصی - پژوهشگاه علوم انسانی

قریب ده سال پیش و به بهانه اولین جلسه کمیته علمی کنفرانس «وب پژوهی» از نزدیک با بزرگ مردی آشنا شدیم که هنوز لذت همنشینی و کلامش کاممان را شیرین می کند و غم از دست دادنش را سترگ می نماید. پروفیسور کامبیز بدیع، استادی بزرگ و همراهی فراموش‌نشدنی بود که نمی توان به راحتی در بین دانشمندان حال حاضر کشور شبیه او را یافت. او در هر بار همنشینی و هم‌کلامی، نکته‌ای بدیع برای عرضه داشت و با مهارت و تسلط خود در واژه شناسی، هر ذره از گفتگو را عمیق‌تر و دلنشین‌تر می ساخت. رفیق و همراهی که مطمئن بودیم در چالش‌های مختلف از مباحث علمی گرفته تا موضوعات شخصی و رفاقتی، هر آنچه در توان دارد به میان می آورد و بعد از هر صحبت و هر دیدار با حس خوب و خاطره‌ای نیکو، بدرقه‌مان می کند. او که چند روز قبل از سفر ابدی‌اش به ما اطمینان داد که شرایط جسمی‌اش رو به بهبود است و ما امیدوار به دیداری دوباره! و اکنون در این اندیشه که به قول قیصر امین پور: «ناگهان چقدر زود دیر می شود».

حرف‌های ما هنوز ناتمام

تا نگاه می کنی : وقت رفتن است باز هم همان حکایت همیشگی! پیش از آن که با خیر شوی

لحظه‌ای عزیمت تو ناگزیر می شود آی ای دریغ و حسرت همیشگی ناگهان چقدر زود دیر می شود!

فاطمه عظیم‌زاده - محمد جواد شایگان فرد، دانشگاه علم و فرهنگ



اِنَّ اللّٰهَ وَاِىَّهٖ رٰجِعُوْنَ

استاد تمام و کمال اخلاق و ادب و صبر
پیشگسوت و فیلسوف علم داده و هستان شناسی
مصدق عینی انما یخشی الله من عباده العلماء
بنده خوب و پیرو راستین حق
به دیدار خالق حکیم و یکتا شتافت
روحش در اعلیٰ علمین شاد
تسلیت به ایران
تسلیت به جامعه علم و فن و ادب
و تسلیت به خانواده و دوستدارانش

کعب در آمد نهن با به
به هیت نوبه (اقت)
بشائیک انسان در پیر
نیل به آریان های متصلی
اودرتک با شوره...



احمد رضا غزنوی
مدیر حوزه ریاست و روابط عمومی و دبیر شورای فرهنگی



احمد رضا غزنوی، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

رضا فرجی دانا، دانشگاه تهران



برایار حاضر دکتر کاخیز بدیع

می خواستم بنویسم به یو یار غایب دکتر کاخیز بدیع در چو نیک اندیشیدم لورده با صدقه خاطره آموخته در به یار ماندن
نرخه حاضر یافتم، لذایح جویغ اینج دندشته بود. « برایار حاضر تغییر دادم. مدره اینستد آنان که دلشان به عشق زنده اند
محوله زنده اند، دوست گراندم ضایب آتار کتر بدیع در زمره چنین ان نهانستد بود:

بگوز نمیرد آتار دشر زنده شد به عشق ثبت است بر جبرده عالم دلام ما

در حدود بیت سالی آشنای با این مرد بزرگ ندیم که یکبار لورده نامی سر حرف زنده، محموله سرت از امید و مقلول زنده بود، از
همشینی با لورده می بود و چیز جدید می آموخت، تسلط شل زنده لورده ادبیت و ریشه لغات ان در شکفت زنده کرد و
زنده دشر بیشتر و هدایت لورده زنده در تخصص و ربط با رایشتر آموخته زنده لورده مبر جبرده شندنه گفتار بودند به ارضان
می آموده. از خصصیت اخذ فرایت ان که از صانع خلق لورده لورده است. جعبه لورده می که جعبه و حیات شال زنده دنگتار و کدک لورده
با به کار برفغ الفاظ لطیف و مقلول از احکم به شندنه (یا شندنه گمان)، جعبه لورده از روح پاک و مغزیت سرتار ایتان در موعض
دید می همین قرار بود.

به راستی چنین روح از بزرگتر با جسم ماهر خود که با درخشش جلوه آرمضدر خود زنده اند و جامع برآمده لورده از حیات جاودان
خود بهره مند می کنند. یا دشر محموله با ماست و قند ان جسم ماهر لورده با یاد آورنده خاطره شیرین لورده ان روح جعبه تحمل می کنیم.

ما ز با لایسیم و با لای می دیدم
ای سخن خاسته کن با ما میا
ما ز دریا میسیم و دریا می دیدم
ببین که ما از رنگ با ما می دیدم

رضا فخرزاد، رضاف
با تو بهم بفرست ۱۴۰۲
۱۵/۱۱/۱۴۰۱
دانشگاه تهران

دکتر بدیع عزیز و گرامی همواره الهام بخش و محرک خلق ایده‌های نوین در پژوهش‌های مستقیم اینجانب خصوصاً در دوره ۱۳۶۷-۱۳۶۹ بوده است. و چندین پیشنهاد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با مشورت دکتر بدیع عزیز نوشته بودم که بعداً با دانشجویان فیزیوتراپی و مهندسی پزشکی خود آن‌ها را تحقیق و اجرا کردیم.

در بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ تقریباً اکثر غروب یکشنبه‌ها در جلسات دست‌سیرنتیکی تهران و شبکه عصبی و دست نیمه صنعتی در کنار ایشان حضور داشته‌ام که همواره با برداشتهای عمیق علمی و تفریح‌های شاد همراه بوده است. در دوره تحصیلات دکتری بنده نیز، ایشان معلم، مدرس و استاد هوش مصنوعی و سایبرنتیک - در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ بوده‌اند که سرشار آموزه‌های مفید و الهام بخش بوده‌اند.

از سال ۱۳۷۶ تمامی کارهای اینجانب که در حیطه پردازش سیگنال و سایبرنتیک بوده بدون حسن نظر علمی و راهنمایی ایشان پیش نرفته است.

هم اکنون چندین ایده پژوهشی قابل تامل و دست‌نخورده ایشان، در مسیر تحقیقاتی نورفیدبک و تعامل انسان-ماشین وجود دارد که در صورت تحقق آن‌ها تا سال‌های سال وجود نازنین دکتر بدیع را در پیشبرد آن‌ها برای بنده و همکاران متجلی خواهد کرد و تنها حیف که از فردای فقدان ایشان مکث‌ها و سوال‌هایمان بی‌جواب خواهد ماند و اشک در گوشه چشم همه ما جاری!

سیدمحمد فیروزآبادی، دانشگاه تربیت مدرس

به یاد مرحوم دکتر کامبیز بدیع

دلبر ما دل ما برد و به ما رخ نمود

تا کسی رخ ننماید نبرد دل زکسی

آشنائی من با مرحوم دکتر بدیع به سال ۱۳۵۰ برمی‌گردد که همزمان در دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی برق پذیرفته شدیم ولی ایشان با دریافت بورسیه نخبگان دولت ژاپن عازم ژاپن شدند و تحصیلات عالی خود را در زمینه مهندسی برق و الکترونیک با گرایش هوش مصنوعی و بازشناسی الگو از انستیتو تکنولوژی توکیو به اتمام رساندند. اواخر سال ۱۳۶۲ بود که پدر ایشان مرحوم دکتر ناصر بدیع که از اولین مهندسين شهرسازی و بنیان‌گذاران شورای عالی شهرسازی و معماری بودند در مرکز تحقیقات مخابرات ایران با بنده ملاقات و خیرخوش بازگشت مرحوم دکتر کامبیز

بدیع به ایران و مشورت در رابطه با محل اشتغال ایشان را داشتند. در آن مقطع بنده مسئولیت معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات مخابرات و مسئولیت قائم مقامی رئیس شورای عالی انفورماتیک کشور و مسئولیت هماهنگی تدوین برنامه آموزشی رشته مهندسی الکترونیک در ستاد انقلاب فرهنگی را داشتم. لذا جمع‌بندی اولیه این بود که با این سابقه درخشان علمی، در هر دانشگاه و مرکز پژوهشی و علمی که انتخاب کنند، زمینه همکاری فراهم است و رسماً از ایشان دعوت به همکاری به عمل آمد. در خرداد ۱۳۶۳ به ایران تشریف آوردند و خوشبختانه مرکز تحقیقات مخابرات ایران را انتخاب و سریعاً مشغول به فعالیت شدند.

با توجه به توان و پتانسیل علمی این شمع پر نور سراپرده علم و عرفان و ادب، از همان روز اول همکاری پیشنهاد دادم که یک روز در هفته با سایر مجموعه‌های دانشگاهی و علمی و پژوهشی همکاری نمایند و خوشبختانه همکاری علمی و پژوهشی خوبی را



با جناب آقای دکتر هاشمی گلپایگانی وزیر محترم اسبق آموزش عالی و مرحوم جناب آقای دکتر لوکس استاد دانشگاه تهران آغاز نمودند که برای ارضاء علمی ایشان خیلی مفید بود و در ادامه با عضویت در هیئت موسس و هیئت مدیره انجمن کامپیوتر ایران و بعدها در سایر انجمن های علمی و دعوت به فرهنگستان علوم منشأ اثرات ارزنده ای شدند.

با از دنیا رفتن این عزیز به جامعه علمی و پژوهشی کشور لطمه ای وارد شد که جبران آن بسیار مشکل است. او الگوی یک عالم متخلق به اخلاق انسانی، مظهر ادب و آرامش، دوستدار ایران و جامعه علمی و پژوهشی بود. دکتر بدیع برای گسترش و ارتقاء علم در کشور و مراکز علمی سر از پای نمی شناخت تا سوال نمی شد سکوت را نمی شکست و دریای خروشان علمی او در انتظار مخاطب بود و وجود خود را وقف چنین هدف والایی می نمود.

خدایش او را بیامرزد و در جوار رحمت و اسعاهش قرار دهد. بنده به سهم خود این ضایعه بزرگ را به بستگان و خصوصاً همسر ارزشمند ایشان سرکار خانم دکتر محمودی عزیز و به دوستداران ایشان و جامعه دانشگاهی مخصوصاً همکاران مرکز تحقیقات مخابرات ایران تسلیت عرض می کنم. روانش شاد و راهش پر رهرو باد

برات قنبری، پژوهشگاه و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات



۳۰ آذر ۱۳۷۵ میزبان آقای دکتر بدیع در یک جلسه پژوهشی بودیم. پس از جلسه در خودروی یکی از دانشجویان به قصد منزل ایشان در حرکت بودیم. روز قبل در بازی فوتبال ایران و عربستان دو اشتباه داور باعث شکست تیم ما شده بود. دانشجویان درباره این موضوع بحث می کردند. من نگران بودم که این بحثها خاطر آقای دکتر را آزرده کند. طولی نکشید که ایشان با این جمله به گرمی وارد بحث شدند. « بله آقا، داور به نفع گرفت.»

در سال ۱۳۸۳ آقای دکتر بدیع داور رساله آقای دکتر نظام آبادی پور در باب Content Based Image Retrieval بودند که با راهنمایی من انجام شده بود. از آن به بعد در مناسبت هایی که در حضور ایشان بودیم، CBIR را طوری ادا می کردند که به نام خانوادگی من KABIR شباهت پیدا کند.

احسان اله کبیر، دانشگاه تربیت مدرس

انالله و انالیه راجعون

با از دنیا رفتن دکتر بدیع به جامعه علمی ما لطمه ای وارد شد که جبران آن بسیار مشکل است. او الگوی یک عالم متخلق به اخلاق انسانی و دوستدار ایران و جامعه دانشگاهی بود. بزرگداشت و قدردانی از چنین شخصیت هایی در زمان حیات ایشان از وظایف مهم جامعه علمی و دانشگاهی است. دکتر بدیع برای گسترش و ارتقای علم در کشور و مراکز علمی سر از پای نمی شناخت و وجود خود را وقف چنین هدف والایی نمود. خدایش او را بیامرزد و در جوار رحمت و اسعاهش قرار دهد. بنده به سهم خود این ضایعه را به بستگان و خصوصاً همسر ایشان و به دوست دارانشان و جامعه دانشگاهی تسلیت عرض می کنم.

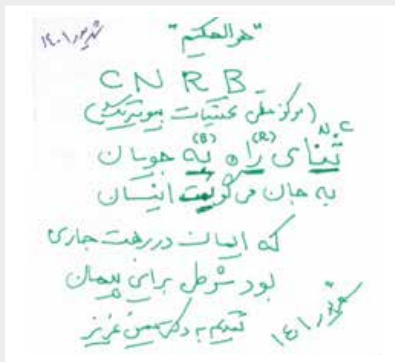
سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر و فرهنگستان علوم



نوشته‌ای در خصوص دوست و استاد عزیزم مرحوم پروفیسور کامبیز بدیع

نوشتن در خصوص دوست و استاد عزیزم مرحوم پروفیسور کامبیز بدیع بسیار سخت است، آن هم توسط فردی چون بنده با جایگاه بسیار پائین در مورد فردی که در اوج فضایل و دانش‌ها به سر می‌برد.

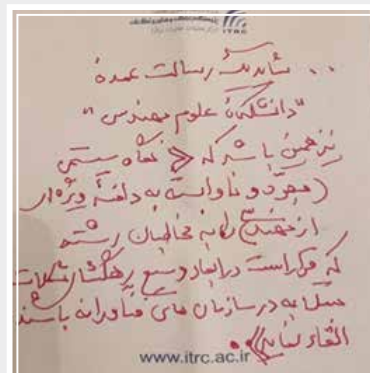
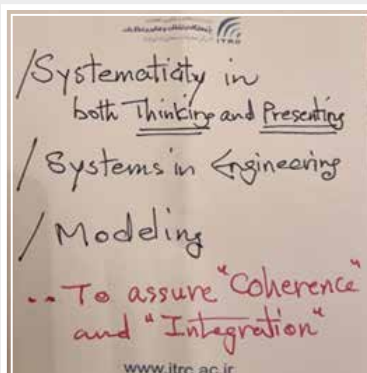
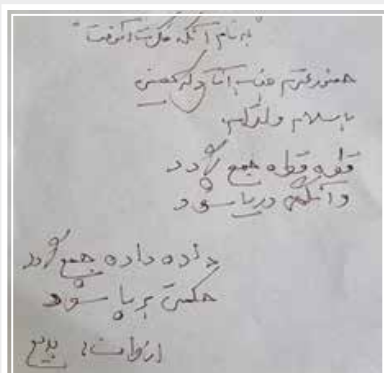
در دی ماه ۱۳۷۹ وقتی که پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه مونترال کانادا، با اشتیاق و صفناپذیری برای خدمت‌گذاری پا به مرکز تحقیقات مخابرات ایران گذاشتم با آقای دکتر محمدرضا بیک‌زاده ملاقات کردم که معاون پژوهشی وقت مرکز بودند و افتخار گذراندن دوره کارآموزی تحت سرپرستی ایشان



در اواسط دهه ۶۰ را نیز داشتم. بعد از صحبت‌های اولیه در خصوص همکاری، ایشان از فردی برای ملحق شدن به جلسه دعوت کردند که از همان برخورد اول بسیار مودب، خوشرو و دوست داشتنی به نظر می‌آمدند. اولین دیدار بنده با پروفیسور کامبیز بدیع در همان جلسه اتفاق افتاد، که با توجه به اشرافی که به تخصص بنده در حوزه بازشناسی الگو و نیز شناختی که از استاد راهنمایم در کانادا داشتند، دیداری شگفت‌انگیز و بسیار جذاب برایم بود. از آن زمان تا شب سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲ (یعنی شب قبل از درگذشتشان)، که در چارچوب جلسه مجازی هیئت مدیره انجمن سیستم‌های هوشمند ایران در جوار همسر گرامیشان سرکار خانم دکتر طایفه محمودی حضوری کوتاه در جلسه داشتند و با وجود کسالت و ضعف مفرط چند جمله‌ای حکیمانه ابراز فرمودند، بنده در حدود ۲۳ سال از فیض وجود ایشان از نزدیک بهره‌مند بودم.

خاطرات بسیاری از ایشان در ذهن دارم و دروس بسیاری از ایشان آموختم. همانند همه افرادی که به نحوی از انحاء با ایشان ارتباط داشتند تمام لحظاتی که در جوارشان بودم سرشار از عشق، مهربانی، لطف، انرژی مثبت و حکمت و دانش بود. پروفیسور بدیع عزیز در پستی و بلندی‌هایی که با آنها روبرو بودم، اولین مرجع و مشاور مهربان و دلسوزم بودند و از این لحاظ هم به ایشان احساس دین می‌کنم و افسوس می‌خورم که اجل مهلت جبران ذره‌ای از این الطاف را به بنده نداد. خداوند متعال را شاکرم که مجاورت شادروان پروفیسور کامبیز بدیع، به عنوان سمبل یک دانشمند و استاد والا مقام اخلاق مدار، را به بنده عطا نمود تا سرمشق گرانبهایم باشم. ایشان در اوج قله‌های علمی و ادبی و حتی در بالاترین سمت‌های کاری ذره‌ای خودبینی در وجود نداشتند. از زمانی که از فیض وجودشان محروم شده‌ایم، ناخودآگاه خاطرات و سخنانشان مستمراً در ذهنم مرور می‌شوند تا علاوه بر حلاوت، غم شدید فقدان باورنکردنی ایشان تمام وجودم را فرا گیرد. افسوس که خیلی زود از جمع ما خاکیان رفتند ولی در دوران زندگی پربارشان آن قدر آثار علمی و اخلاقی برای ما به جا گذاشتند که یاد و خاطره‌شان هیچگاه از ذهن ما بیرون نخواهد رفت. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

محمدشهرام معین، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات



در صحبت های که با دوستان بعد از درگذشت مرحوم دکتر بدیع داشتیم، اولویت مطلبی که مطرح می کردند این بود: از مصاحبت با ایشان لذت می بردیم و متوجه گذر زمان نمی شدیم. یاد این مطلب شمس تبریزی افتادم که می گوید: «هر که را خلق و خوی فراخ دیدی و سخن گشاده و فراخ حوصله که دعای خیر همه عالم کند که از سخن او ترا گشاد دل حاصل می شود و این عالم و تنگی او بر تو فراموش می شود آن فرشته است و بهشتی.»



جلسات با دکتر بدیع پر بار بود و در آن همواره مطلب جدیدی موجود بود. در مورد داده و این که باید به کار گرفته شود دستخطی از ایشان دارم که بسیار پر محتوی است:

دکتر بدیع عضو پیوسته دانشکده علوم مهندسی دانشکده گان فنی دانشگاه تهران بودند. در تبیین اهداف این دانشکده همواره نظرات ارزشمندی داشتند که در سند راهبردی دانشکده از آن ها استفاده می شد. یک نمونه از آن ها را در اینجا می آورم:
علی معینی، دانشگاه تهران

واژه ها آمده اند تا به مفاهیم معنا بدهند، اما دست روزگار، افرادی را می آفریند که آن ها به واژگان معنا می دهند. لحظه لحظه ی زندگی جناب آقای پروفیسور بدیع عزیز معنا آفرینی بود برای کلماتی به وسعت یک جهان. دانش، خرد، آرامش، کرامت، انسانیت، فروتنی و پناه. بیان شیوای جناب آقای دکتر بدیع در خردآموزی بی نظیر بود، واژگان زیبای ایشان نه فقط بر ذهن و قلب بلکه بر جان ما نشست. جهان ما با ایشان جانی دگر یافت. و جان من در این سال ها همواره محو آن بیان زیبا، شخصیت نازنین و نگاه ژرف ایشان به جهان بود. از آن روز بارانی کلاس ۲۰۴ دانشکده مدیریت علامه تا وداع بارانی آخر در قطعه ۳۶، تمام لحظه های بودن با ایشان، تکه هایی از وجود بود که؛ به جای گذاشته شد. ساده است؛ کسی که می گوید، انسان چیزی از این دنیا با خود نمی برد، شما تکه ای از جان ما را با خود به همراه بردید.

جناب آقای پروفیسور بدیع عزیز، همیشه در انتهای مکالمات تان با آن بیان خاص می فرمودید، «سایه تان کم نشود». چه زود دلمان برای آن شور و شوق، بیان، پناه و سایه شما تنگ شده است. برای عزیزی چون شما که با تابش تیر آمدید و رفتن تان آذر (آتش) را از یلدا گرفت، همه چیز نور بود، سایه هم از شما معنا گرفت.



پی نوشت:

یکی از جنبه‌های کمتر بررسی شده وجودی پروفیسور بدیع عزیزمان، تسلط بی نظیر ایشان بر دستگاه‌های موسیقی، سلفژ و ارتباط موسیقی فولک ایران با موسیقی جوامع دیگر بود. موسیقی برای ایشان تنها ترکیبی از آواها نبود، بلکه ترکیبی از گذشته و حال، وجود و جان، معنا و الهام بود. و این علاقمندی در گفتار ایشان نیز به زیبایی تجلی یافته بود. طنین صدای ایشان، بیان شیوا و انتخاب واژگان که در هر لحظه، ترکیب زیبایی را برای شنونده رقم می‌زد؛ موسیقی زیبایی بود که از گذشتار، کنون تا ابدیت؛ از کیان تا کیهان، بر دل، ذهن و جان ما نواخته می‌شود. صد افسوس که هم‌نواز (دوئت) این آوا، ردی از درد است؛ که هر لحظه با تداعی یاد ایشان، در جانمان، طنین فروز آتشی دگر خواهد بود.

محمد محرابیون محمدی، گروه مدیریت عملیات و فناوری اطلاعات، دانشگاه خوارزمی



اولین خاطره ای که من از دکتر بدیع بعد از استخدام در مرکز دارم این بود که ایشان را همیشه در حال مطالعه مقاله و بازنویسی آن در اوراق خود می‌دیدم و از آنجا که با ایشان آشنایی نداشتم فکر می‌کردم که ایشان دارای مدرک مترجمی زبان بوده و به‌عنوان مترجم در مرکز مشغول به کار هستند.

در آن زمان برای آمدن به مرکز به اواسط خیابان یوسف آباد می‌آمدم و از کوچه‌های بین یوسف آباد و انتهای کارگر سوار ماشین‌های شخصی و بین راهی می‌شدم. یک روز که برای سوار شدن به ماشین‌های بین راهی به کنار کوچه‌های مربوطه آمده بودم دکتر بدیع را دیدم که بروی جدول کنار خیابان نشسته بود و بر طبق معمول در حال خواندن و نوشتن بود. مدتی طول کشید تا این که یک ماشین برای ما توقف کرد و ما سوار ماشین شدیم. وقتی ماشین به انتهای کارگر در جنب مرکز رسید من می‌خواستم کرایه ماشین

را حساب کنم ولی راننده گفت که برای دریافت پول ما را سوار ماشینش نکرده است، من خوشحال شدم و خواستم پیاده شوم. اما دکتر ضمن تشکر از راننده در خروج از ماشین تامل کرد و از راننده خواهش کرد که انگیزه خود از این نیکوکاریش را برایش بیان کند. در آن زمان این برخورد مودبانه دکتر برای من عجیب بود. بعدها که در مرکز با دکتر بیشتر آشنا شدم متوجه شدم که ایشان دکترای مخابرات از ژاپن داشته و در مورد جنبه‌های شناختی افراد در حال مطالعه و تحقیق هستند و اصولاً انسانی مودب و خوش اخلاق است.

محمد رضا میرصراف، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات



بیش از ۲۰ سال افتخار آشنایی و همکاری با پروفیسور بدیع در هیئت تحریریه مجله بین‌المللی مهندسی را داشتم. در هر جلسه از کلام شیرین این ادیب دانشمند بهره بردم. باید اذعان کرد توصیف ایشان کار آسانی نیست. زیرا شخصیت ایشان تاثیرگذار و خلق و خوی صمیمانه ای داشتند که برابیم ایشان الگوی واقعی بودند. پروفیسور بدیع منشأ خیر و برکت بود. ایشان بنیانگذار IJE-Transaction C: Aspect برای مجله ما بودند که از سال ۲۰۱۲ تاکنون چاپ شده است. نقش سازنده و کلیدی پروفیسور بدیع در مجله هرگز فراموش نمی‌شود. نامبرده بسیار دقیق در بررسی مقالات و با فرصت کافی جهت احقاق حق نویسندگان تلاش می‌کردند. مجله بین‌المللی مهندسی سرمایه عظیمی را از دست داد. راهش جاویدان مهرش در قلب دوستانش پایدار و ابدی جای گرفته است. روحش شاد و غریق رحمت الهی باد.

قاسم نجف پور، سردبیر مجله بین‌المللی مهندسی

دکتر بدیع راهنمای راستی و درستی، نور و روشنائی

بحث داغ راجع به هوش مصنوعی، مانع از خداحافظی آنها بعد از پایان کنفرانس نشده بود. بحث داغی که ادامه آن به دعوت همسرم دکتر کارو لوکس از دکتر کامبیز بدیع می بایست در خانه ما ادامه می یافت تا زمینه آشنایی و دوستی خانوادگی ما را از سال‌های دور بر اساس زمینه‌های علمی و احترام متقابل رقم بزند. در حین پذیرایی، نظاره‌گر دو دانشمند پر شوری بودم که بعدها هر کدام تبدیل به ستاره‌ای پر فروغ در عرصه دانش و نهادهای علمی ملی و بین‌المللی شدند. به نظر من پایه دوستی این دو محدود به مشترکات علمی نبود. آنچه پایه این دوستی و همکاری را مستحکم می کرد دیدگاه مشترک آنها به علم بود. دیدگاهی که با اذهان باز و پویای آنها به پرواز در می‌آمد تا ارتباطی نزدیک بین رشته‌های علمی دیگر ایجاد کند. روحیه آزاداندیش آنها، هیچکدامشان را بنده و عبید رشته خود نمی کرد. هر دوی آنها نمی‌توانستند و نمی‌خواستند تا دانشمندان تک ساحتی و محدود به علمی که سال‌ها قبل در دانشگاه‌های معتبر جهان فرا گرفته بودند، بمانند. در این میان هوشمندی و ذهن تحلیلگر آنها باعث



می‌شد تا در زمینه‌های علمی دیگر کنجکاو شوند و با مطالعاتی عمیق در موضوعات دیگر در حد متخصصان آن رشته قد علم کنند. چنین برخوردی با علم عرصه خود را در کلاس‌های درس با همراهی دانشجویان و در عرصه‌های پژوهشی با همکاران پژوهشگر و در عرصه کنفرانس‌ها و مقالات ملی و بین‌المللی فرصت ارزیابی، نقد و بررسی می‌یافت و اساس گفتمان علمی را فراهم می‌کرد. با دکتر بدیع نمی‌توانستی درباره موضوعی صحبت کنی و از این مصاحبت لذت نبری و چیزی یاد نگیری. این موضوعات می‌توانستند شامل طیف گسترده‌ای از هنر و موسیقی ایرانی و دستگاه‌های آن، ادبیات فارسی و اشعار ژاپنی معروف به هایکو که خود سروده‌هایی به این سبک داشتند، زبان‌شناسی، بخصوص زبان‌شناسی تطبیقی و شجاعت استفاده از واژگان جدید برگرفته از گونه‌های نخستین زبان فارسی مشتمل بر پارسی باستان و میانه یا پهلوی و زمینه‌های دیگر که خارج از حوصله این نوشته است شود. دکتر بدیع نمادی بودند راستین از رفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک که همه این صفات نورانی را اندیشمندان، دقیق و نکته‌سنجانه به دست آورده و نهادینه کرده بودند. چقدر متأسفم که او را از دست دادیم. مسلماً غیبت ایشان در عرصه علم جبران‌ناپذیر است. و چقدر خوشبختیم از آشنایی با ایشان و آن بحث داغ هوش مصنوعی که منجر به ایجاد این دوستی خانوادگی و استحکام آن با حضور همسفر زندگی و یار و یاور دانشمند ایشان خانم دکتر محمودی شد.

امیلیا نرسیسیان، دانشگاه تهران

به نام آنکه هستی نام ازو یافت فلک جنبش، زمین آرام ازو یافت

دورانی که آقای دکتر بدیع معاون پژوهشی تشریف داشتند و من معان پشتیبانی و توسعه منابع انسانی کارها روان انجام می‌شد و سرعت خدمت‌رسانی بالا رفته بود و هیچ تعارضی بین دو معاونت وجود نداشت و متوجه شدم که ایشان ذهنی زیبا و افکاری مثبت و جامع‌نگر دارند و اصلاً در مورد موضوعات ریز و پیش پا افتاده ورود نمی‌کردند و به دنبال جوی آرام و شاد بودند
دوران هم اتاق بودن

بهترین دوران کاریم بود حدود ساعت ۱۱ با هم مشورت می کردیم که امروز اگر از منزل غذا نیاورده ایم از آقای بوفه چی سفارش بدیم و هر دو غذای تند دوست داشتیم (معمولا ساندویچ مرغ)

زمان استراحت به بهانه صرف چایی باب صحبت و گفتگو را باز می کردیم. همیشه این موضوع در ذهنم بود که از سخنان گهربار ایشان فیلم بگیرم و مستند کنم که محقق نشد سعی می کردم هر روز یک مطلب جدید از آقای دکتر یاد بگیرم از ارتباطی که بین لغات برقرار می کردند لذت می بردم. به عنوان مثال لغت رحم، رحمت را با رحم و دوران جنین ایشان برای دوران جنینی خیلی اهمیت قائل بودند و نقش و تاثیر آن بر رحمت و گذشت انسان را به خوبی بیان می کردند و حتی برای انتصابات افراد برای پست های سازمانی.



ایشان علاوه بر رشته تخصصی خود در رشته های ادبیات فارسی، تاریخ، جغرافیا و موسیقی تسلط کامل داشتند. شخصیت شناسی ایشان بی نظیر بود و من تاریخ تولد تمام اعضا خانواده خودم را به ایشان داده بودم و قبول زحمت کردند و برای تک تک اعضاء خانواده ویژگی های شخصیتی آنان را بیان فرمودند که همه را ضبط کردم.

در دورانی که معاون پشتیبانی بودم برای همکاران جشن تولد هفتگی می گرفتیم و تقریباً در تمام جلسات آقای دکتر بدیع حضور داشتند و همکاران با دیدن ایشان و بیانات شیرین و گرمشان انرژی می گرفتند و شاد می شدند. در اتاق ایشان به روی تمام همکاران باز بود و با همه می جوشیدند و همه ایشان را دوست داشتند. چندین بار با هم رفتیم رستوران بیرون از پژوهشگاه و هرجا می رفتیم اول سفارش غذا برای منزل می دادند، به شدت خانواده دوست بودند.

یک کتاب در زمینه مولکول لغات تالیف کرده بودند و معتقد بودند که هیچ لغتی نیست که ریشه و هم خانواده نداشته باشد ظاهراً تمام مراحل طی و در مرحله چاپ قرار گرفته بود.

در نهایت، باید عرض کنم که آقای دکتر بدیع زنده است و همیشه در دل ما جای دارند. سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

روح اله نصیری، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

سخن گفت از استاد دکتر کامبیز بدیع کاریست سهل و در عین حال ممتنع. سهل از آن رو که خوبی های او آنچنان زیادست

که برای ذکر آن ها کار راحت است. ممتنع از آن رو که نمی توان از بین این همه خوبی ها انتخاب نمود. اولین برخورد اینجانب با ایشان در دفتر کاریشان در پژوهشگاه فناوری اطلاعات، که در آن زمان مرکز تحقیقات مخابرات ایران نامیده می شد، بوده است. چهره متبسم ایشان احساس اطمینان در همه به وجود می آورد که با دانش فراوان ایشان تکمیل می شد. معلومات عمیق که نه فقط در زمینه تخصصی، بلکه در زمینه زبان شناسی و ریشه واژه ها بود همه را به شگفتی وامی داشت. بین ویژگی های متعدد و مثبت، باید به حمایت بی دریغ ایشان از دانشجویان و همکاران جوان تر اشاره کرد که در این راه از چیزی کوتاهی نمی کرد.

با وجود دانش فراوان مانند هر درخت پربار، متواضع و افتاده بود. فقدان این استاد عالیقدر جبران ناشدنی است گرچه بی تردید او در ذهن همکاران، دانشجویان و دوستان خود زنده است. بی شک غم فقدان او را یار همیشگی و دیرینه او یعنی بانو دکتر مریم طائفه محمودی بیش از هر کس دیگر احساس می کند و جا دارد ضمن تسلیت

به این بانوی فرهیخته به این جمله مشهور نیز اشاره کنم که در پشت سر هر مرد موفق، زنی فداکار ایستاده است.

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی در سینه های مردم عارف مزار ماست

معصومه نصیرکناری، دانشگاه صنعتی شریف و فرهنگستان علوم



استاد کامبیز بدیع دانشمندی خوش ذوق، اندیشمندی وارسته و انسانی دوست‌داشتنی بود. او نگاهی گرم و نافذ، تبسمی شیرین، و وقار و متانتی احترام برانگیز داشت، آرام و سنجیده سخن می‌گفت و کلامش آراسته، عمیق و پرمعنی بود. این مرد فرزانه در یک شاخه از علم یا یک حوزه از معرفت نمی‌گنجید، بلکه ذهن خلاق او دانستنی‌هایی از عرصه‌های گوناگون علم و معرفت را با ظرافت به هم می‌پیوست و اندیشه‌های نوآورانه‌ای را می‌پرورد که در لطافت به آثار بدیع هنری می‌مانست. استاد بدیع ژرف‌اندیش و ژرف‌نگر بود. به اعماق سفر می‌کرد و در یافتن حلقه‌های وصل میان عرصه‌های گوناگون و رویکردهای مختلف بسیار توانمند بود. در واژه‌ها چیزهایی را می‌یافت که دیگران نمی‌دیدند. واژه‌ها را با ریشه‌ها و با تاریخ‌شان می‌شناخت. آن‌ها برایش بازیگران فعال جهان معانی بودند و در مسیر تحولات آن‌ها پیوندها و تعاملات



میان فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ملت‌ها را واری می‌کرد.

استاد بدیع بزرگ‌مردی، به معنی واقعی کلمه، خاص بود. انسانی شریف و ژرف که در این جهان پرهیاهو سبک ویژه‌ای از زندگی را برای خود برگزیده بود، سبکی از زندگی که از نگاه ویژه او به هستی بر می‌خاست. خلاقانه می‌دید و خلاقانه می‌اندیشید. نوآورانه سخن می‌گفت و نوآورانه می‌زیست. نگاهش جهان را، انسان‌ها و رویدادها را می‌پالود و می‌آراست. اندیشه‌اش اعماق را می‌کاود، ریشه‌ها را جستجو می‌کرد و از نادیده‌ها پرده بر می‌داشت.

ذهن او گویی از میان همه آن‌چه که می‌توان در جهان دید و شنید پاره‌های ناب را برمی‌گزید و برجسته می‌ساخت و این گزیده‌ها را برای سامان دادن اندیشه‌هایی به سان قطعات فاخر موسیقی به کار می‌گرفت. او صورتی دل‌انگیز و زیبا از آن‌چه را که انسان می‌تواند بود و می‌تواند شد به تصویر کشید و شیوه‌ای از نگاه به انسان، هستی و زندگی را به نمایش گذاشت که در این عصر آشفستگی و سردرگمی بسیار تشنه‌انیم.

حمیدرضا نقوی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

تصادف عجیب و تاسف باری بود. بیست و یکم دسامبر سال گذشته میلادی (۲۰۲۳) در کتاب فروشی بارنز اند نوبل شهر واشنگتن به دنبال کتابی برای ترجمه می‌گشتم و پس از جستجوهای زیاد به کتاب جالبی برخورددم با موضوع این که چگونه در عصر هوش مصنوعی، هویت انسانی خود را حفظ کنیم. یکی دو ساعتی در همان کتاب فروشی به خواندن مقدمه کتاب و تورقی در هشت فصل کتاب پرداختم و آن را برای منظور خود مناسب یافتم. همانجا به یاد بیست و نهم بهمن سال گذشته (۱۴۰۱) و مراسم رونمایی از کتاب هوش مصنوعی در سال ۲۰۴۱ افتادم و دوست گرانقدر و دانشمند دکتر بدیع نازنین که چه بزرگوارانه دعوت من را برای حضور و سخنرانی در آن مراسم پذیرفت و به عنوان یکی از پیشگامان آموزش هوش مصنوعی در کشور، سخنان ارزشمندی را بیان داشت و مثل همیشه مرا مورد لطف سرشارش قرار داد.



پیش خود گفتم که دکتر بدیع هم حتما موضوع این کتاب را تایید می‌کند و چه خوب است که در مراسم رونمایی این کتاب جدید نیز حضور پرمهرشان را در میان خود داشته باشیم. هنوز یکی دو ساعت از این ماجرا نگذشته بود که بعد از مراجعت به هتل و مرور نامه‌های الکترونیکی دریافتی، خبر درگذشت این انسان به تمام معنی والا و ارزشمند را دریافت کردم. بهت و اندوه سراسر وجودم را فراگرفت و هنوز که چند ماهی از آن تاریخ می‌گذرد باور از دست دادن این استاد فرهیخته و انسان شریف برایم دشوار است. آشنایی من با دکتر بدیع به سی و چهار سال پیش برمی‌گردد. زمانی که او بزرگوارانه دعوت مرا برای عضویت در ششمین هیئت مدیره انجمن انفورماتیک ایران پذیرفت و به مدت دو سال از آذر ۱۳۶۸ تا آبان ۱۳۷۰ عضو موثر و فعال هیئت مدیره بود. پس از آن نیز دکتر بدیع همواره در کنار انجمن بود و ما از وجود آن استاد گرانقدر بهره‌مند بودیم، چه با سخنرانی‌هایی نوآورانه و ارزشمندی که در قالب سخنرانی‌های ماهانه انجمن ارائه می‌کرد و چه به عنوان عضو هیئت تحریریه مجله گزارش کامپیوتر که تا پایان حیات پر بارش ادامه داشت.

کسانی هستند که وقتی هستند، هستند و وقتی که نیستند هم هستند. آدم‌های معتبر و با شخصیت. کسانی که در بودنشان سرشار از حضورند و در نبودنشان هم تاثیرشان را می‌گذارند. کسانی که همواره به خاطر ما می‌مانند، دوستشان داریم و برایشان ارزش و احترام قائلیم.

و کسان دیگری که وقتی هستند، نیستند و وقتی که نیستند، هستند. شگفت‌انگیزترین آدم‌ها در زمان بودنشان چنان قدرتمند و باشکوهند که نمی‌توانیم حضورشان را آن‌گونه که شایسته است دریابیم. اما وقتی که از پیش ما می‌روند، نرم نرم و آهسته آهسته، درک می‌کنیم، باز می‌شناسیم و می‌فهمیم که آنان چه بودند، چه می‌گفتند و چه می‌خواستند. ما همیشه عاشق این آدم‌ها هستیم. هزار حرف برایشان داریم اما وقتی در برابرشان قرار می‌گیریم سکوت می‌کنیم و غرقه در حضور آنان می‌شویم و درست در زمانی که می‌روند یادمان می‌آید که چه حرف‌ها داشتیم و نگفتیم. تعداد این آدم‌ها در زندگی هر کدام ما به تعداد انگشتان دست است و شاید هم کمتر. دکتر کامبیز بدیع نازنین ما از این جنس آدم‌ها بود و چه نابهنگام از دستش دادیم. روح بلندش شاد و در آرامش باد، همچنان که در زمان حیاتش بود.

ابراهیم نقیب زاده مشایخ، رئیس انجمن انفورماتیک ایران

مرحوم استاد دکتر کامبیز بدیع، بیش از آن که یک دانشور باشد، یک شناخت‌ور بود و شناخت‌ور بودن سبب گشته بود که ایشان دانشوری برتر باشد. شناخت‌ورزی بی‌وقفه، در خصوص مباحث گوناگون و پیچیده علمی تا مسائل موردی و حتی امور روزمره زندگی، ایشان را به جایگاهی روشنگر از خردورزی رسانده بود. با چنین توانایی، ایشان حقیقتاً در مقام مرجعی مطمئن برای مشاوره و راهنمایی پیرامون طیف وسیعی از مسائل نظری و عملی قرار گرفته بود و از همین روست که فقدان ایشان، نه فقط برای یک یا چند گروه خاص، بلکه برای طبقات مختلف از دوستان و آشنایان، ناگوار و حسرت‌بار است.



اکتشاف بی‌درپی تناظرات و این همانی‌ها میان مفاهیم بنیادین حوزه‌های شناختی و معنایی مختلف، نگاه توحیدی ایشان را روزبه‌روز عمیق‌تر و قوی‌تر می‌ساخت و شاید از همین رو بود که هربار قلم به دست می‌گرفت تا پرتوی از ادراک یا مفهومی از معنا را به نگارش درآورد، ابتدا در زیر لب بسم الله الرحمن الرحیم می‌گفت و سپس به نگارش مشغول می‌شد. چنین اهتمام مستمر و خالصانه، ایشان را به اندیشمندی یک جهت و حق‌گزار تبدیل کرده بود که با حسن و ملاحظت، دل‌آرایی و جهان‌گیری نمود و بر همین بود که بود. خدای هستی بخش مهربان، روح ایشان را با شادمانی و برخورداری همراه گرداند و سلام‌های همواره ما را به ایشان برساند.

امیرمنصور یادگاری، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

دکتر بدیع یک استاد بی‌نظیر و یک دوست وفادار بود. با عقیده‌ی خود و اخلاق بی‌نقصش، همیشه ما را الهام می‌بخشید. او همواره با دقت و محبت، سال تولد و ماه تولد همکاران را به یاد می‌آورد و با این کار، نشان می‌داد که ارزش قائل بودن به دیگران برای او بسیار مهم است. تحلیل ایشان از اخلاق و رفتار دیگران و تجزیه و تحلیل شخصیتی ایشان واقعاً آموزنده بود. من همیشه از ایشان یاد گرفتم که با احترام و محبت با دیگران برخورد کنم. تسلط ایشان به فرهنگ و تاریخ مناطق متفاوت کشور واقعاً جالب بود و در صحبت‌هایی که با ایشان داشتیم جذابیت زیادی ایجاد می‌کرد.

به یاد دارم زمانی که در خصوص امور پژوهشگاه نیاز به مشورت بود ناخواسته به سمت اتاق ایشان می‌رفتیم. ایشان همیشه از حضور و ارائه مشاوره به همکاران



خوشحال می‌شد و استقبال می‌کردند. من تاکنون نشده است که به ایشان مراجعه کنم و بدون نتیجه و یا جمع بندی مناسبی از اتاق ایشان بیرون بیایم. واقعا تسلط ایشان به ریشه کلمات و انتخاب صحیح و به جای آن‌ها در هنگام نام گذاری‌ها واقعا به ما کمک می‌داد. به عنوان مثال برای انتخاب نام گروه‌ها، عناوین پروژه‌ها، عناوین تحقیقات و کاری، نامگذاری محصولات و غیره همیشه از ایشان کمک گرفتیم که الان هر کدام را می‌بینم به‌آد ایشان خاطرات زنده می‌شود. جالب این بود که همیشه با روی باز و اخلاق خوب ایشان مواجه شده و نتیجه مناسبی حاصل می‌شد.

بر خورد و صحبت با ایشان همواره انرژی مثبتی فراهم می‌کرد که واقعا از ملاقات و هم صحبتی با ایشان لذت برده و از لحظات بسیار خوب اینجانب می‌باشد. بدین ترتیب است که ایشان همیشه در دل‌های ما زنده بوده و خاطرات خوبش همواره در یادمان خواهد ماند.

علیرضا یاری، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

هو الغفور

آنان که محیط فضل و آداب شدند

در جمع کمال، شمع اصحاب شدند

روزی شب نایک نبردند برون

گفتند فزای و در خواب شدند

دینا که به سوگ بزرگی نشسته ایم که مراتب حکمت و معرفت اش زبانه‌ها و عام بود و تامل و معنویت اش، تفسیرگر غلیظه الهی بر اقصای

شاک. خوشه چینی از خرمن دانش او، بر ایوان توفیق بود که که اندک بود زمان تمدن و نیک؛

آب دینار اگر نتوان کشید، بم به قدر سنگی بید کشید

تخل همدان اش، نه تنها برای اقربا، که برای پویندگان راه علم و جویندگان راه کمال، دشوار است که جز به صدق و صفات تقسیم اش و جز به عدل و وفا

نیدیش

بر خود لازم می‌دانم مراتب تعزیت خود را به خاندان محترم بیع و خصوصا: بمسرعه ایشان، سرکار خانم دکتر محمودی تقدیم نمایم و از درگاه پروردگار

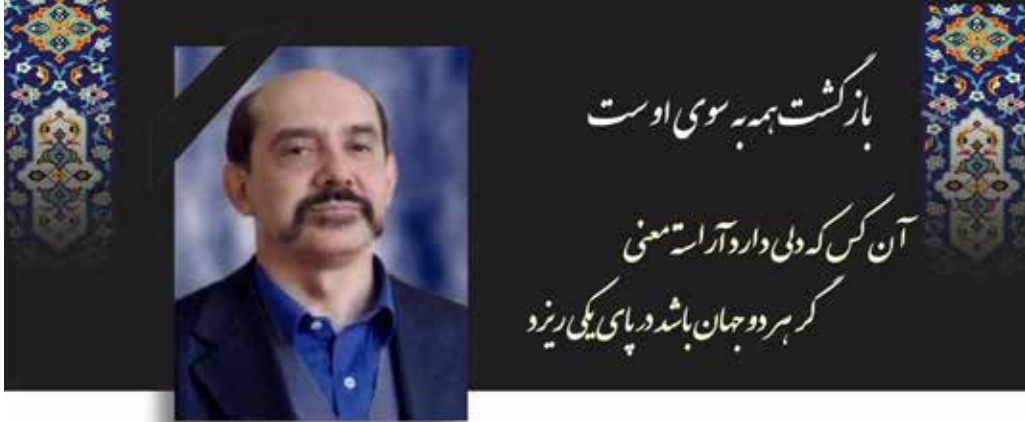
سحان ارحم الراحمین، علودجات مرحوم و تسلی خاطر برای بازماندگان مسالت نمایم.

وحید یزدانیان



وحید یزدانیان،

پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات



شناخت وری آگاه که تمام عمر را بی وقفه در محضر معانی گذرانند اینک به زلال بی منتهای معنی پیوسته است و البته این پیوستن داغ سنگینی از گسستن را بر دل همدلان نشانده است.

پروفسور کامبیز بدیع

پرچمدار هوش معنایی و تبیین گر منطق امکان استاد تمام پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران عضو فرهنگستان علوم ایران در نهایت تاسف و تأثر به دیدار حق شتافتند.

ضمن عرض تسلیت به رهپویان علم و پژوهش به اطلاع می رساند مراسم تشییع بیکرایشان روز شنبه ۲ دی ماه ۱۴۰۲ ساعت ۸ صبح،

از پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران واقع در خیابان کارگر شمالی به سمت بهشت زهرا خواهد بود همراهی و بزرگواری صاحبان حق سبب نزول رحمت و مغفرت الهی برای آن عزیز به حق پیوسته و مایه آرامش دل برای بازماندگان ایشان خواهد بود.

مراسم خاکسپاری

ساعت ۱۰:۳۰ در قطعه ۳۶ ردیف ۱۴ شماره ۵۰۱ انجام می گردد.



از طرف خانواده های بدیع ، طایفه محمودی مجاور احمدی، پرویز و سایر دوستان و بستگان